کار

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه اول خرداد ماه ۱۳۷۰
۲۲ ماه مه ۱۹۹۱ دوره سوم-شماره ۷

وام یک میلیارد دلاری ایتالیا به ایران

در تهران رئیس گروه بازسازی صنایع ایتالیا با مهندس ترکان وزیر دفاع دیدارکرد. در این دیدار تاکید شد که ایتالیاتجهیزات نظامی به ایران ارسال خواهدکرد.

رئیس گروه بازسازی صنایع ایتالیا درراس‌هیائی ۵۰ نفره از مقامات و کارشناسان ایتالیائی وارد تهران شد. این هیات درتهران با برخی از دولتمردان ایرانی و ازجمله با تنی چند از وزیران دولت رفسنجانی‌دیدار داشت. در جریان سفر این هیات اعلام شد که ازجانب ایتالیا وامی به مبلغ یک میلیارد دلار در اختیار ایران قرار می‌گیرد.

پیرامون مناسبات ایران و عراق

وخامت روز افزون مناسبات جمهوری اسلامی و رژیم صدام حسین که با شروع دوباره جنگ سرد بین آنها همراه شده است. سرنوشت صلح و تامین امنیت در مرزهای مشترک دوکشور را در ابهام فرو برده است. نگاهی کوتاه به تاریخچه پر فراز و نشیت این مناسبات پس از قطع جنگ و به ویژه در دوره ۱۰ ماهه بحران خلیج فارس، حاکی از آن است که هر دو رژیم به جای اتخاذ یک سیاست واقع گرایانه مبتنی بر تامین صلح بین دو کشور، به ماجراجویی‌ها و تلاش‌های آشکار و پنهان جاه طلبانه برای تحقق سیاست های تجاوزکارانه مالیخولیائی خود مشغول بوده‌اند و در پی تحقق این اهداف نه تنها مناسبات دوکشور را به شدت تیره ساخته‌اند، بلکه بار دیگر مناطق مرزی را به آشوب کشانده‌اند.

بعد از اشغال کویت، صدام حسین به منظور آسوده شدن از جبهه شرقی و با هدف کشاندن جمهوری اسلامی به حمایت از اهداف اشغالگرانه خود، ظاهرا شرایط حکومت اسلامی وقطعنامه ۵۹۸ برای صلح را پذیرفت. از همان زمان روشن بود که عقب نشینی صدام حسین عمدتا یک تاکتیک سیاسی برای تجاوزی تازه در منطقه و جلب حمایت جمهوری اسلامی از این تجاوز است، و موارد بسیاری از اختلافات هنوز باقی است. جمهوری اسلامی از این عقب نشینی استقبال کرد و در عین حال در موارد اختلاف از جمله تعیین خط‌مرزی در شط‌العرب سکوت کرد.

از آن به بعد یک دوره ۱۱ ماهه "ماه عسل" در روابط تهران و بغداد آغاز شد. جمهوری اسلامی بر اثر فشار جناح تندرو که یک شبه هیبت خالدبن ولید را در چهره دیکتاتور عراق تشخیص داده بود و به ویژه با پیشنهادات اغوا کننده صدام حسین در مورد شریک کردن حکومت اسلامی بر سفره رنگین به یغما رفته کویت، تا آنجا به عراق نزدیک شد که نگرانی‌های بسیاری را برانگیخت. با وجود تکذیب های مکرر مقامات اسلامی، اکنون روشن شده است که صدام حسین حتی قبل از اشغال کویت صریح یا مضمر جمهوری اسلامی را در جریان نقشه خود قرار داده و پیشنهاد داده بود در قبال عدم مخالفت ایران با این تجاوز، قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد و امتیازات دیگری بدهد. از پاسخ جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۲

این عکس از طرف مقامات عراقی منتشر شده‌است. آنان مدعی اند قربانیان مزبور که‌سرباز و غیر نظامی عراقی اند، بوسیله‌پاسداران ایرانی که به حمایت شیعیان عراق رفته بودند، با شلیک تیری در سر اعدام شده‌اند.

سرسختی اسراییل در برابر تلاش های آمریکا و شوروی

علیرغم تلاشهای وزرای خارجه‌آمریکا و شوروی برای دستیابی به‌سازشی میان اعراب و اسرائیل در مورد نحوه تشکیل کنفرانس‌صلح، هنوز چشم‌اندازی برای توافق وجودندارد. جیمز بیکر والکساندر بستمرتنیخ‌هفته گذشته سفرهای مکرری به‌پایتخت های‌اسرائیل وکشورهای عرب همسایه آن داشتند. جیمز بیکر نتوانست در اسرائیل موافقت نخست وزیر این کشور رابا فرمول "صلح به ازای زمین" و با شرکت سازمان ملل متحد در کنفرانس صلح جلب کند. بیکردر پایان دیدار خود از اسرائیل گفت هنوزمیان اسرائیل و سوریه در این مورد اختلاف‌نظر وجود دارد. سوریه خواهان شرکت رسمی‌سازمان ملل در کنفرانس صلح است اما‌اسرائیل بااین خواست مخالفت می‌کند.

بیکر پیش‌از ورود به اسرائیل بر سر راه‌خود از امان پایتخت اردن به بیت‌المقدس، از کرانه غربی اشغالی رود اردن دیدارکرد. وی در جریان این دیدار ملاقاتی بایک‌هیات فلسطینی به ریاست فیصل الحسینی‌داشت. الحسینی اظهار داشت تاکنون فلسطینی‌ها برای تحقق راه حل صلح آمیز، انعطاف زیادی از خود نشان داده‌اند. وی‌مردم اسرائیل را فراخواند دولت خود راوادارد به انعطاف در مذاکرات با بیکر کنند.

بقیه در صفحه آخر

موج بازگشت درمیان آوارگان کرد

مسعود بارزانی: از خواست تضمین بین المللی، صرف نظر کرده‌ایم

مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان عراق که سرپرستی دور دوم مذاکره با رژیم بغداد را بر عهده دارد، در روز جمعه هفته گذشته (۲۷ اردیبهشت - ۱۷ مه)، در پایان دومین هفته اقامتش در بغداد، اعلام کرد که او با صدام حسین به توافق‌های اساسی رسیده است. وی گفت: "من خیلی خوش‌بینم. ما هنوز به یک توافق‌نامه نهایی دست نیافته‌ایم، اما توانسته‌ایم یک گام اساسی در این جهت برداریم." بارزانی اعلام کرد که هیات کردی در مذاکره با صدام حسین از خواست تضمین بین المللی برای این که وعده‌های دولت عراق ضمانت اجرایی داشته باشد، چشم پوشیده است. وی گفت: "بهترین تضمین، اعتماد دوطرف به یکدیگر است."

در هفته گذشته موج بازگشت در میان آوارگان کرد بالا گرفت. اردوگاه‌های بر پا شده در شمال عراق از سوی آمریکا و متفقین، کاملا پر شده‌اند. چادرهای برپا شده کفایت نمی‌کنند. هر روزه گاه تا ۱۰۰۰۰ نفر از کوهستان های مرزی ترکیه و عراق و نیز از ایران به سوی این اردوگاه‌ها رو می‌آورند. در شهر زاخو ۵۲۰۰۰ آواره کرد جا گرفته‌اند. غالب آوارگان هنوز راغب به بازگشت به خانه و کاشانه خود نیستند و تنها در اردوگاه‌ها احساس امنیت می‌کنند. دولت عراق در حال مذاکره با سازمان ملل است تا مناطق تمرکز آوارگان تحت نظارت این سازمان قرار گیرد. تاکنون توافق شده است که نیروی نظارت کننده، یک واحد ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفره از نیروی مسلح سازمان ملل باشد که تاکنون وظیفه حراست از نیروهای کمک رسان این سازمان را برعهده داشته‌اند. دولت عراق با استقرار یک نیروی چند ملیتی تحت کنترل سازمان ملل در شمال عراق مخالف است.

برای بازگشت امن به کشور!

در صفحه ۲

رفسنجانی در گفتگو با دانشجویان:

*بخاطر جنگ ده سال عقب مانده‌ایم.

*نهضت آزادی غیر قانونی است

* راه حل عراق پذیرش انتخابات آزاد به سبک ایران است!

در صفحه ۵

افزایش فشار بر جویندگان ایرانی کار در ژاپن

طی یک هفته ۸۱ ایرانی از ژاپن اخراج شدند

جویندگان ایرانی کار در ژاپن با تشدید فشار و ممانعت پلیس این کشور مواجه شده‌اند. در ماه گذشته عده بسیاری از آنها به بهانه‌های گوناگون بازداشت و از این کشور اخراج شدند. دسته‌ای از آنها اجازه ورود نیافتند و از همان فرودگاه بازگردانده شدند. در ماه گذشته تنها طی یک هفته ۸۱ ایرانی از ژاپن اخراج گردیدند. اتهام ۵۵ تن از اخراج شدگان اقامت بیش از حد مجاز اعلام گردید. ۲۶ تن دیگر کسانی بودند که با تحمل هزینه گزاف و انتظار طولانی برای تهیه بلیط هواپیما بالاخره خود را به فرودگاه ژاپن رساندند اما پلیس ژاپن بدون طرح هیچ دلیلی به آنها اجازه ورود نداد.

جویندگان ایرانی کار در ژاپن آن دسته از جوانان بیکار هستند که همه تلاشهایشان برای یافتن کار و گذران زندگی در میهن به نتیجه ای نیانجامیده و ناگزیر متوجه خارج کشور شده‌اند. از میان کشورهای جهان ژاپن تنها کشوری است که رونق اقتصادی و زمینه‌کار دارد و در عین حال برای مسافرت ایرانیان محدودیت تهیه ویزا از سفارت این کشور در تهران وجود ندارد. مسافرین ایرانی باید هنگام ورود به ژاپن بلیط بازگشت و مقداری ارز خارجی که با هزینه طول اقامتشان متناسب باشد همراه داشته باشند. در شرایط کنونی سرمایه لازم برای تهیه بلیط و ارز برای هر مسافر ایرانی به ژاپن، قریب ۵۰۰ هزار تومان می‌شود که طبعا بسیاری از جوانان بیکار فاقد آن هستند. آنها برای تامین این سرمایه به رباخوارها مراجعه می‌کنند و با گرو گذاشتن اموال خانواده خود و پذیرش بهره بیش از ۵۰ درصد زمینه سفر را فراهم می‌کنند. ازآنجا که تعداد جویندگان کار عازم ژاپن بسیار زیاد است. هریک از آنها باید برای یافتن جا در یکی از خطوط هوایی مدتها منتظر بمانند.

وقتیکه جوانان جویای کار بهر ترتیب خود را به ژاپن رساندند و از سد پلیس نیز گذشتند از طریق دلالانی که منتظر آنها هستند محلی برای کار می‌یابند، کاری که البته شاق و کمرشکن است. دلالها بخشی از درآمد آنها را از کار، بخود تخصیص می‌دهند. سهم دلالها بالاست و قریب یک سوم مزد روزانه کارگران را شامل

بقیه در صفحه ۵

فرش نفت در سواحل قشم و بندر عباس

روز یکشنبه ۲۹ فروردین خبرگزاری ها گزارش کردند که یک فرش نفتی بوسعت ۷۰ کیلو متر مربع آبهای بین جزیره قشم وبندر عباس را پوشانده است. این فرش نفتی از تاسیسات نفتی کویت و بدنبال اشغال این کشور توسط عراق، در جریان جنگ، به آبهای خلیج فارس سرازیر شد. همچنانکه پیش‌بینی می شد جریان آب و مسیر باد این فرش نفتی را بسوی سواحل ایران بحرکت درآورده است. پوشیده شدن آب دریا از نفت، خطری بسیار جدی برای محیط زیست محسوب شده باعث از میان رفتن آبزیان، بروز انواع بیماری ها بویژه بیماری های تنفسی در انسانها و از میان رفتن منابع تغذیه آنان می گردد. با وجود اثرات مهلک آلوده شدن محیط زیست نفت، تاکنون هیچ‌گونه اقدام جدی برای جمع آوری نفت گسترش‌یافته بر سطح آبهای خلیج فارس، صورت نگرفته‌است.

اعدام های دسته جمعی تاکی؟

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی روز چهارشنبه گذشته ۴۶ نفر به جرم شرکت در قاچاق مواد مخدر در دوشهر به دار آویخته‌شدند. ۴۱ نفر ازاین افراد در مشهد و ۵ تن بقیه در کاشان دار زده شدند. در میان اعدام شدگان یک نفر زن وجود داشت و ۲۲ نفر از آنان نیز تابعیت افغانی داشته‌اند. به نوشته روزنامه‌های تهران، پیش از اعدام متممین در شهر کاشان، گروه بزرگی از مردم شهر در اعتراض به اعدام ها، مقابل زندان کاشان اجتماع کردند و به آتش زدن لاستیک اتوموبیل ها و شکستن شیشه مغازه‌ها پرداختند. روزنامه‌هایی که خبرفوق را منعکس کردند، از انگیزه مردم معترض اطلاعی به دست ندادند.

اکنون بیش از ۲ سال است که رژیم باخشونتی بی‌سابقه به اعدام های گسترده‌ای تحت پوشش مبارزه با قاچاق مواد مخدر دست زده‌است. طی این مدت نزدیک به ۲ هزار تن اعدام شده‌اند. اما علیرغم این، جمهوری اسلامی موفقیت چشمگیری در مبارزه با قاچاق مواد مخدر به دست نیاورده و وجود باندهای متعدد کوچک و بزرگی که هر چند روز خبر اعدام یکی از آنان منتشر

بقیه در صفحه ۵

مساله غرامت و قطعنامه ۵۹۸

دکتر ولایتی وزیر امور خارجه طی یک سخنرانی در روز ۱۷ اردیبهشت اظهار داشت مطالبه‌غرامت از عراق بابت خسارات ناشی از جنگ "مبنای قطعنامه‌ای ندارد و بند ششم قطعنامه ۵۹۸ نیز که می‌تواند مدخلی برای ورود به این بحث باشد، به غرامت اشاره نمی‌کند."

با وجود اظهارات دکتر ولایتی، به گزارش رادیو ایران آقای رفسنجانی در آخرین گفتگوی تلفنی با صدر اعظم آلمان در روز ۲۵ اردیبهشت، اجرای بند ۶ قطعنامه را به معنای اخذ غرامت از عراق دانست که وصول آن باید مطالبه شود.

www.iran-archive.com

پیرامون مناسبات ایران و عراق

بقیه از صفحه اول

اطلاعی در دست نیست، سیاست نزدیکی جمهوری اسلامی به عراق دیری نپائید، همراه با تشدید فشارهای بین المللی که شکست صدام حسین را به‌تدریج قطعی‌تر می‌ساخت و ماندن در کنار او را بی‌فایده‌تر، و مشدارهای مکرر دولت‌های خارجی، جمهوری اسلامی خود را از درگیر ساختن در ماجراجویی‌های صدام حسین کنار کشید و سیاست درست بیطرفی را پیشه کرد.

دوره "ماه عسل" در روابط دو رژیم همزمان با شکست صدام حسین در جنگ، آغاز قیام در آن کشور و سپس سرکوب آن، پایان یافت. حکومت تهران فرصت طلبانه تغییر سیاست داد و به دخالت آشکار در امور داخلی عراق پرداخت. و جمهوری اسلامی مستقیما و یا توسط عوامل خود به تحریکات گسترده‌ای دست زد. اوج این سیاست تجاوزکارانه، دخالت‌های مستقیم نظامی در جریان جنگ‌های داخلی عراق بود. این دخالت‌ها به ویژه در جنوب، در منطقه شیعه نشین، شدید و گسترده بود و پاسداران جمهوری اسلامی مسلح به تسلیحات سبک، با شکستن مرز به جنگ با نیروهای ارتش عراق اقدام شدند. این اقدامات صدام حسین را به واکنش متقابل به ویژه در جریان تعقیب آوارگان تا داخل خاک ایران برانگیخت. دو رژیم به طور مداوم یکدیگر را به نقض مقررات آتش‌بس و دخالت‌های نظامی متهم ساختند. اکنون علاوه بر تیرگی شدید مناسبات سیاسی و رسمی، وضعیت در مناطق مرزی دو کشور متشنج‌تر شده است.

اهداف توسعه طلبانه و نقشه‌های اشغالگرانه صدام حسین، آرزوهای او برای تبدیل شدن به ابر قدرتی تجاوز کار در منطقه و تسلط‌یافتن بر بخش‌های جنوب شرقی و مناطق نفت خیز ایران و بالاخره ادعاهای او بر شط‌العرب بر کسی پوشیده نیست و لزوم هشیاری در برابر این دیکتاتور متجاوز همواره به جای خود باقی است. امارژیم بغداد پس از شکست خرد کننده در جنگ و فشارهای شدید بین المللی در شرایط نیست که بتواند به ماجراجویی خطرناکی علیه ایران اقدام کند و از تشنج میان دو کشور سود ببرد. به عکس، سران رژیم تهران که رقیب و دشمن دیرینه خود را در موقعیتی ضعیف و ناتوان یافته‌اند، درصدد بهره‌گیری نامشروع از اوضاع آشفته داخلی عراق هستند. طی هفته‌های اخیر رژیم تهران با طرح تدریجی خواسته‌هایی فراتر از قطعنامه ۵۹۸ روابط دو رژیم را وخیم‌تر کرده است.

مقامات تهران برخلاف قول و قرارهای قبلی آمار دروغی در مورد هواپیماهای عراق مستقر در ایران ارایه داده‌اند که به معنای مصادره عملی بخش اعظم این هواپیماهاست. طی روزهای اخیر و به ویژه در دیدار با مقامات آلمانی، سران رژیم تهران مجددا مسئله دریافت فرامت جنگی از عراق را پیش کشیده‌اند و این در شرایطی است که بنا به گفته ولایتی وزیر خارجه اسلامی چنین خواستی "مبنای قطعنامه‌ای" ندارد و در قطعنامه ۵۹۸ طرح نشده است. و طرح موضوع فرامت در این موقعیت صرفا به منظور حفظ تشنج در عراق و ستیز با صدام صورت میگیرد.

جمهوری اسلامی از ادامه محاصره اقتصادی عراق تا سقوط صدام حسین حمایت می‌کند و عملا به ادامه فقر و گرسنگی مردم و ویرانی کشور همسایه یاری می‌رساند. حکومت تهران با خودمختاری در کردستان عراق به تقابل و دشمنی برخاسته و شعار انتخابات آزاد در آن کشور را که خواست نیروهای دمکراتیک است، به تعبیری خود فرضانه از جمله برای لوث کردن حق خودمختاری کردهای عراقی به کار گرفته است.

با توجه به مجموعه این سیاست‌ها می‌توان گفت که رژیم تهران سیاست خود را بر پایه دخالت‌های آشکار و پنهان در امور داخلی عراق به منظور پیشبرد اهداف خود قرار داده و در راستای این هدف از تضعیف بنیه اقتصادی عراق ناخرسند نیست و سیاست‌هایی را مورد حمایت قرار می‌دهد، که قبل از ضربه زدن به صدام حسین، علیه مردم عراق و منافع آنهاست. ابعاد این سیاست‌ها وقتی روشن می‌شود که آنها را در پرتو فشارهای کمرشکن کنونی به آن کشور در نظر گرفت. اکنون کشورهای پیروز به سرکردگی آمریکا مردم این کشور را به خاطر خیانت‌های صدام مجازات می‌کنند. حق آنها بر ثروت‌های ملی خود را نفی کرده‌اند. شیرهای نفت، یعنی عمده‌ترین منبع ثروت و درآمدشان را بسته‌اند، در محاصره اقتصادی قرارشان داده‌اند تا صدام حسین به امیر کویت فرامت بدهد! حکومت تهران نه تنها با این سیاست غیرانسانی مخالفت نمیکند، بلکه محاصره اقتصادی عراق را مورد تایید قرار داده و امر پرداخت فرامت به ایران را نیز پیش کشیده است.

مردم ایران، عراق و کویت هیچ نقش و مسئولیتی در جنایات حکام کشورهای خود ندارند. رژیم‌های دیکتاتوری بی‌توجه به خواست و نظر مردم، منطقه را به آشوب کشیده و ویران کرده‌اند. اکنون صدام حسین در ناتوانی است اما ویرانیهای کویت و ایران نباید به بهای فقر و مسکنت مردم عراق و ویرانی بیشتر این کشور و محاصره اقتصادی آن جبران شود و مردم این کشور نباید تاوان ماندن صدام حسین بر سریر قدرت را بدهند. ما این سیاست‌ها را محکوم می‌کنیم و حمایت حکومت اسلامی از آنها را نه تنها علیه مردم عراق بلکه در جهت تخریب بیشتر مناسبات دو کشور می‌دانیم. ایران و عراق کشورهای همسایه‌ای هستند که علیرغم مطامع و نیات توسعه طلبانه رژیم‌هایی که برآنها حاکم بوده و حاکم هستند، باید در کنار هم در صلح و امنیت و برابری زندگی کنند.

عادی‌سازی روابط دولت‌های دو کشور بر پایه عرف بین المللی و حسابیات حقوقی معین عامل تعیین کننده‌ای در راستای اهداف فوق است. دولت‌های جمهوری اسلامی و عراق باید بر پایه رعایت منافع دو جانبه ملی و زمینه‌سازی برای از بین بردن عدم مداخله، روابط خود را بدون هیچ شرط اضافی بر مبنای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد استوار سازند. ما نیک می‌دانیم نه حکومت اسلامی و نه رژیم عراق هیچ کدام به چنین مناسباتی پای‌بند و علاقمند نیستند، اما وظیفه نیروهای دموکرات دو کشور می‌شناسیم که بدون تنگ نظری، مبارزه برای وادار ساختن حکومت‌های تهران و بغداد به رعایت قرارداد و قطعنامه فوق را هماهنگ و تشدید سازند. لازمه مبارزه ثمربخش در این راه مبارزه مستمر با امت‌گرایی اسلامی، ناسیونالیسم افراطی و شونیسم و هر اندیشه غیر دموکراتیک چه در چهره اسلامی، چه در چهره ایرانی و یا عربی، پرهیز از دامن زدن به دشمنی میان ایران و کشورهای عربی و اتکاء به همبستگی خلقها و ملل منطقه از جمله مردم ایران و عراق برای تامین صلح و دموکراسی در کشورهای خود و کل منطقه است.

برای بازگشت امن به کشور!

شورای مرکزی سازمان در اجلاس اردیبهشت ۷۰ خود، سیاست اخیر دولت رفسنجانی در مورد بازگشت مهاجرین ایرانی مقیم خارج از کشور را مورد بررسی قرار داد: نظر به حساسیتی که این موضوع در میان مهاجرین ایرانی ایجاد نموده و هم چنین تاثیراتی که می‌تواند در آینده تحولات جامعه ما داشته باشد، اعلام موضع خود نسبت به آن را ضروری تشخیص داد.

۱

شورای مرکزی سازمان مجموعه اقدامات محدود و نیم‌بند دولت رفسنجانی را ناشی از نیازهای غیر قابل تاخیری می‌داند که جامعه ما با آنها مواجه است. هاشمی رفسنجانی با تشخیص تناقضات سیاستهای گذشته حکومت و بن بست غیر قابل علاج این سیاستها، به تغییرات معین در جهاتی از آنها روی آورده و برای تثبیت حکومت، اجرای برنامه بازسازی و تعدیل بحران اقتصادی، می‌کوشد سیاستهای قبلی جمهوری اسلامی را تا جایی که دست و پاگیر اهداف فوق هستند - تصحیح کند. رفسنجانی می‌خواهد از طریق رفرمهای محدود و کاهش برخی فشارهای اجتماعی، در جامعه پایگاهی برای حکومت خود ایجاد کند و از این طریق اسباب اجرای این رفرمها را نیز فراهم آورد. او در عین حال قصد دارد این رفرمهای محدود را به عنوان مظاهر رعایت دموکراسی و حقوق بشر در ایران، در برابر دولتهای غربی - که رابطه با آنها را برای اهداف خود حیاتی می‌شمرد - قرار دهد.

شورای مرکزی ضمن تصریح بر این واقعیت تلخ که دموکراسی و حقوق بشر در ایران هم‌چنان به وجهی خشن سرکوب می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی (و همه جناحهای آن) رژیمی ضد دموکرات و دیکتاتوری است، در عین حال احتمال پدید آمدن منافذی در دیوار بلند استبداد را منتفی نمی‌داند و هم با فلوپیرامون این احتمال و هم با نادیده انگاشتن آن مخالف است.

۲

هدف واقعی دولت رفسنجانی از طرح شعار بازگشت مهاجرین، در درجه اول جلب اقشار معینی از میلیونها مهاجر ایرانی خارج کشور، یعنی سرمایه‌داران و متخصصان برای به راه‌انداختن چرخهای درهم شکسته اقتصادی است. تبلیغات دولت برای بازگرداندن این اقشار معین، بسیار بیشتر از اقدامات عملی و واقعی است که برای بازگشت همین قشر محدود از توده عظیم مهاجرین صورت گرفته است.

شورای مرکزی سازمان بی توجهی به اقدامات دولت رفسنجانی در عرصه فوق را نادرست می‌شناسد و آن را در خدمت سپردن ابتکار عمل به رژیم جمهوری اسلامی و پیشبرد سیاستهای رژیم - به گونه‌ای که خود می‌خواهد میداند - اپوزیسیون دموکرات رژیم باید در قبال هر تحولی، هر چند کوچک، فعالانه شرکت کند و در جهت تاثیرگذاری بر آن و گسترش دامنه‌اش مبارزه نماید. ما وظیفه خود می‌دانیم که برای عقب نشینی بیشتر رژیم و وادار ساختن آن به تامین شرایط بازگشت کلیه مهاجرین، از جمله مهاجرین سیاسی، پیکار کنیم. با نیروهای دموکرات کشور در این پیکار موفق می‌شوند و حکومت را به عقب نشینی‌های بزرگ مجبور می‌سازند که پیروزی مهمی برای دموکراسی و آینده کشور خواهد بود و یا رژیم تن به عقب نشینی نخواهد داد و مشت خود را در برابر مردم ایران و جهان بار دیگر باز خواهد کرد و عوامفریبی‌اش آشکار خواهد شد.

۳

شورای مرکزی سازمان از بازگشت هر ایرانی که علیرغم میل خود مجبور به مهاجرت شده است، استقبال و دفاع می‌کند و مبارزه برای بازگشت مهاجرین را نه تنها یک وظیفه سیاسی در پیکار علیه رژیم، بلکه یک وظیفه انسانی خود می‌داند. ما مشوق بازگشت تمام آن کسانی هستیم که می‌توانند به میهن خود بازگردند. در عین حال وظیفه خود می‌دانیم که نسبت به هرگونه خوش بینی نسبت به تغییر شرایط در ایران هشدار دهیم و تکرار کنیم که دموکراسی و آزاداندیشی و حقوق ابتدایی انسانها در ایران هنوز به شدت پایمال می‌شود.

ما به سهم خود از همه ایرانیان مقیم خارج می‌خواهیم که تلاش برای بازگشت به ایران را به یک تلاش و مبارزه جمعی به منظور تامین حق همه مهاجرین برای زندگی در میهن خود تبدیل کنند.

۴

این تلاش مشترک می‌تواند تحت شعار تامین و تضمین بازگشت امن کلیه مهاجرین صورت پذیرد. پیکار متحد حول این شعار و جلب حمایت افکار عمومی - به ویژه در غرب - برای خنثی ساختن توطئه‌های حکومت اسلامی و فشارهای شدت یابنده دولتهای پناهنده پذیر بر پناهندگان ایرانی اهمیت دارد. مبارزه یکپارچه مهاجرین حول شعار "بازگشت امن" دولتهای پناهنده پذیر را که عموما مایلند مهاجرین به کشورهای متبوع خویش بازگردند، در مناسباتشان با جمهوری اسلامی مجبور خواهد ساخت که این رژیم را برای اجابت خواسته منطقی مهاجرین تحت فشار قرار دهند. اگر این مبارزه و فشارهای مختلف برای به عقب راندن رژیم کافی نباشد و دول پناهنده پذیر به سکوت و معامله با حکومت اسلامی در این عرصه تن دهند، در آن صورت باید در برابر اعتراض نیروهای مترقی کشورهای خود که از حق پناهندگی مهاجرین دفاع می‌کنند، از همدستی با دولت جمهوری اسلامی برای اعمال فشار به پناهندگان ایرانی و بازپس فرستادن آنها خودداری ورزند.

۵

ما به عنوان یک سازمان سیاسی خواهان آنیم که هر ایرانی بتواند آزادانه به میهن خود باز گردد و بدون هیچ گونه نشاری از اعتقادات و سیاستها و حزب مورد علاقه خود جانبداری کند و خود شیوه زندگی خویش را برگزیند. برای رفع شرایطی که موجب مهاجرت ناخواسته و اجباری میلیونها ایرانی به خارج از کشور شده است، شرایطی که مهاجرت به خارج را هم‌چنان ادامه‌دار ساخته است، به اعتقاد ما باید اقدامات زیر صورت گیرد تا شرایط بازگشت تا حد امکان گسترده مهاجرین و حل واقعی این مسئله فراهم آید.

۱ - تصویب قانون منع تعقیب کلیه مهاجرین سیاسی و اعلام رسمی آن.

۲ - آزادی زندانیان سیاسی، منع پیگرد، بازداشت و شکنجه.

۳ - لغو سانسور و تامین آزادی فعالیت نویسندگان و هنرمندان.

۴ - پذیرش رسمی اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۵ - گشایش دفاتر دایمی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین الملل و صلیب سرخ جهانی در ایران برای نظارت بر رعایت حقوق بشر و بازگشت امن مهاجرین.

۶ - لغو حجاب اجباری و قوانین زن ستیز.

۷ - رفع تضیق علیه اقلیتهای مذهبی.

۸ - تامین آزادی مهاجرین برای سفر به خارج از کشور.

۹ - تضمین حق بازگشت مهاجرین به مشاغل قبلی و انتخاب آزادانه شغل برای آنان.

۶

شورای مرکزی سازمان ما، همه احزاب و سازمانهای سیاسی، همه مهاجرین و نیروهای دموکرات کشور را به مبارزه یکپارچه و هدفمند برای تامین شرایط بازگشت امن کلیه مهاجرین دعوت می‌کند. به اعتقاد ما در این مبارزه سازمانهای پناهندگی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. مبارزه مشترک برای تحمیل خواسته‌های خود به حکومت اسلامی و عقب نشاندن بیشتر آن، بسیج گسترده افکار عمومی مردم در کشورهای غربی، تلاش برای ترغیب دولتهای پناهنده پذیر به اعمال فشار علیه دولت جمهوری اسلامی و ممانعت از سخت شدن شرایط پناهندگی در کشورهای فوق الذکر، می‌تواند رئوس سیاستهای مشترک ما باشد.

اطلاعیه شورای مرکزی خطاب به اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

دومین کنگره سازمان در پیش است و تدارک برگزاری آن در جریان.

شورای مرکزی سازمان در اجلاس اخیر خود به تصویب رساند که: "تمامی افراد تشکیلات خارج کشور و کسانی که عضویت آنان توسط هیچ ارگان سازمانی لغو نشده است، حق شرکت در انتخابات (انتخاب کردن و انتخاب شدن) را دارند."

این مصوبه بازتابگر تمایل و اشتیاق اعضای شورای مرکزی به این امر است که همه فدائیانی که طی سالیان طولانی در سازمان کار و پیکار کرده اند، بتوانند در امر تعیین نحوه و راستای فعالیت سازمان خود مشارکت داشته باشند.

شورای مرکزی سازمان بدینوسیله تمامی رفقای مشمول ضابطه فوق را فرا می خواند که باشرکت در کنفرانس های پیش کنگره و انتخابات آن در امر برگزاری هرچه شایسته‌تر کنگره دوم و تاثیر گذاری بر راستاهای فعالیت آتی سازمان سهم جویند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اردیبهشت ۱۳۷۰

● آزادی فعالیت احزاب سیاسی و آزادی انتخابات نخستین شرط دمکراسی است

● پیگرد، بازداشت، شکنجه و سرکوب مخالفین سیاسی باید قطع گردد

اجرای "اعلامیه جهانی حقوق بشر" خواست عموم مردم ایران است

www.iran-archive.com

وضعیت فاجعه بار شیعیان جنوب عراق

سرکوب شیعیان عراق ادامه دارد. خبرگزاری جمهوری اسلامی از قول آوارگان شیعه گزارش کرده است که در روزهای پنج شنبه وجمعه هفته گذشته (۲۷و۲۸ اردیبهشت) مناطق مسکونی چندین شهر در جنوب عراق از جانب ارتش عراق به توپ بسته شده و یا بمباران شده است. حملات ارتش عراق متوجه شهرهای امارد، ناصریه، علی شرقی و علی غربی بوده است. این خبر را منابع دیگری تائید نکرده اند. اما آنچه که مشخص است تداوم سرکوب شیعیان در عراق است. ارتش عراق مداخلات جمهوری اسلامی را بهانه سرکوبهای مسلحانه قرار داده است.

گروهی از پزشکان عضو سازمان بین المللی پزشکان علیه جنگ اتمی در بازگشت از عراق، گزارش تکان دهنده ای از وضعیت فاجعه بار مردم عراق خاصه در شهرهای شیعه نشین این کشور ارائه کردند. بر طبق این گزارش در جنوب عراق گرسنگی و بیماریهای واگیر بیداد می کنند. در شهر کربلا ۴۵ مورد ابتلا به وبا مشاهده شده است. بیمارستانهای جنوب عراق فاقد ساده ترین امکانات برای مقابله با وبا و دیگر بیمارها هستند. هیچ کدام از شهرها دارای آب و برق نبوده اند. در این گزارش حملات آمریکا و متفقین به مناطق مسکونی و موسسات غیر نظامی درجریان جنگ بر سر کویت به شدت محکوم شده است. پزشکان خواهان آن شده اند، که به محاصره اقتصادی عراق هر چه زودتر پایان داده شود.

پیش بینی می شود که با عقب نشینی نیروهای آمریکایی از جنوب عراق، بر تعداد شیعیان پناه برنده به ایران افزوده شود. مراجع بین المللی و رسانه های گروهی به سرنوشت شیعیان بی توجهی نشان میدهند. صدام حسین به سرکوب شیعیان ادامه می دهد و رژیم تهران میکوشد از این وضع بهره برده و سرنوشت شیعیان عراق را تابع مخاصمات خود با دولت بغداد سازد.

هنوز روشن نیست که کردها در مذاکرات خود با دولت عراق تا چه حد به طور مشخص از حقوق شیعیان دفاع کرده اند. شیعیان مذاکرات کردها با صدام حسین را تک روی دانسته و آن را به منزله درهم شکستن ائتلاف ضد صدامی از جانب کردها توصیف می کنند.

مسعود بارزانی به همراه یک هیات چهار نفره از کردها با صدام مذاکره کرد

نظری به موانع تأمین خودمختاری و دموکراسی در خود جامعه کردی

مقاله زیر به قلم "نامو عزیز" از روزنامه آلمانی فرانکفورتر روندشاو (شماره ۱۳ ماه مه ۱۹۹۱) برگرفته شده و در برگردان به فارسی اندکی خلاصه شده است.

بیش از دو هفته است که در بغداد هیاتی از کردهای عراقی در حال مذاکره با صدام حسین است. تک روی کردها – به درستی – بارها مورد انتقاد قرار گرفته است. آخرین مورد، انتقاد شدید دیگر گروههای اپوزیسیون همچون شیعیان است که حس می کنند کردها به آنها پشت کرده اند واین بیم وجود دارد که جبهه واحد علیه دیکتاتوری از هم بپاشد. تاکنون اما "مذاکره با شیطان" فقط روی بی ضرر و موفقیت آمیز خود را نشان داده است.

کردها در طرح خواسته هایشان دست بالا را گرفته اند و در برابر خود مقاومت اندکی را می بینند. از آزادی مطبوعات سخن در میان است، از نظام چند حزبی و لغو حقوق انحصاری حزب بعث و حتی از ملغا کردن پارلمان فعلی و باز تشکیل آن. برای نخستین بار در تاریخ، کردها خواسته هایی فراتر از علایق ملی خویش مطرح می سازند: "دمکراسی برای همه"، چنین است شعار تازه برای کردها، برای شیعیان و بقیه مردم عراق. هدف رهبران کرد نه تجزیه عراق، بلکه ثبات بخشیدن به آن بر یک پایه دموکراتیک و بر مبنای یک دولت پایبند به قانون است.

صدام حسین تاکنون به همه خواسته های کردها پاسخ مثبت داده است. هنوز البته قرار دادها صورت مکتوب نیافته اند و موضوع شهرهای نفت خیز و نحوه بهره برداری از نفت آنها هنوز ناروشن است. دور دوم مذاکرات که زیر رهبری مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان است این ناروشنی ها وابهامات را خواهد زدود و مهمتر از همه تضمین بین المللی را روشن خواهد ساخت.

خلق کرد نیز – به شیوه خود – از مذاکره با دیکتاتور انتقاد کرده است. همچنان بسیاری از آوارگان ترس خورده، از بازگشت به عراق خودداری می کنند. در ایسیک ورن واقع در مرز ترکیه و عراق اخیرا هزاران کرد آواره علیه انتقال آوارگان به اردوگاههای تازه بر پاشده در خاک عراق، دست به تظاهرات زدند. این بدان معنی است که آنها، تازمانی که صدام حسین برسر قدرت باقی است، احساس امنیت نمی کنند. سوءظن آنها نه فقط متوجه رئیس دولت عراق، بلکه همچنین متوجه نمایندگان خودشان است.

شکافی که در کردستان بین "خلق" و "رهبران" دهان می گشاید، از زمره دور ازواقعیت بودن کاست حکومتی در دموکراسی های غربی نیست که معمولا برای رفع آن "نزدیکی به شهروندان" مطالبه می شود. هیات مذاکره کننده در بغداد نه در یک "انتخابات آزاد" از سوی خلق کرد برگزیده شده اند ونه به صورت آزادمی توان کار کرد آن را متوقف کرد. نمایندگانی از این قبیل بر حسب قاعده مشروعیت خود را از سنت جامعه کردی می گیرند – جامعه ای باگذشته فئودالی که همچنان دستخوش قوم و قبیله بازی و رقابت بر سر قدرت است. خواست برپایی یک دموکراسی بر اساس الگوی غربی در عراق ضرور تا باید دگرسازی جامعه کردی را نیز در برگیرد.

امروزه جامعه کردی در اینجا و آنجا همچنان دارای نظام پیش – فئودالی است. این جامعه، جامعه ایست طایفه ای با ملوک الطایفه های مختلف که بر سر قدرت برتر و تعداد بیشتر رعیت، با یکدیگر سر نزاع دارند. بر حسب قاعده این "آقاها" (خان ها) از بقیه مال ومنال بیشتری دارند. از زمان اصلاحات ارضی بزرگ قرن ۱۹ (در عصر عثمانی) این "آقاها" در کنار شیخ ها و کارگزاران دولتی شهرنشین قشر اصلی زمینداران بزرگ را در کردستان تشکیل می دهند.

رقابت و ستیز آقاها با یکدیگر زیر پوشش هدفهای مختلف ونظرگاههای مختلف قابل استتار نیستند. دعوای آنها آشکارا بر سر قدرت محض است و آنان برای استحکام بخشیدن به قدرت خود حاضرند وارد اتحادهای مشکوک نیز بشوند. قرار گرفتن کردستان بین قدرتهای بزرگ منطقه فقط بدان منجر نشده است که عثمانی ها وصفوی ها، ایرانی ها وعراقی ها هر یک به نوبه خود، نکوشند کردها را در خدمت اهداف خود قرار دهند. این امر باعث آن نیز شده است که کردها نیز به بازی استفاده از یک قدرت علیه قدرت دیگر خو گیرند. چه بسیار پیش آمده که قدرتهای اشغالگر از برخی از روسای طوایف در برابر رقبای آنها پشتیبانی کرده اند، آنهم با این هدف که آنها را گوش به فرمان خود کنند و بدین ترتیب اعمال غیر مستقیم قدرت خویش را تضمین نمایند. این که این گونه اختلافات عشیره ای چه پیامدهایی برای "دمکراسی" دارد در رفتار انتخاباتی بر خی از طوایف که دستخوش ستیزهای درونی هستند، آشکار می شود. اغلب دسته های رقیب منتظر می مانند تا ببینند طرف مقابل جانب کدام حزب را گرفته است، تا آنها عکس آن رفتار کرده و حزب دیگر را برگزینند.

وجود رابطه کلاسیک استثماری فئودالی بین آقاها و خلق امر نادری نیست. بعنوان مثال رئیس طایفه منگور در هر ده پاکاری را می گماشت که وظیفه وی جمع آوری "بهره مالکانه" بود که وارد کیسه آقا می شد. علاوه بر گرفتن این گونه "مالیات" وی رعیت ها را به بیگاری نیز وامی داشت. درمیان رعیت ها وضعیت مسیحیان و آنهایی که به طایفه تعلق ندارند، ازهمه فلاکت بارتر است: آقا به آنها به مثابه غلامان واموال شخصی خود می نگرد.

ساخت طایفه ای به هیچ رو بقایای شکلهای اجتماعی کهن پیش – پادشاهی به حساب نمی آید. نظام جامعه کردی در دوره امرای خودمختار در اساس پیچیده تر و باثبات تر بوده است. تا قرن ۱۹ آقاها زیر دست امرای طوایف (میرها) قرار داشتند. به آنها خراج می دادند واز آنها حساب می بردند. این حالت فرمانبرداری از "میرها" به وحدت طوایف قوام می بخشید وزمینه ساز یک جو مسالمت وعدالت نسبی می شد.

با نیرویابی قدرت مرکزی – قدرت مرکزی درترکیه یا عراق – امیرنشین ها اضمحلال یافتند وجامعه کردی متشکل از واحدهای خرد شد (باصطلاح اتمیزه شد). طوایف بزرگ دیگر مظهر وحدت و یکدستی نبودند. روسای طوایف قدرت و نفوذ خویش را از دست دادند وبی وظیفه گشتند. همپای گسترش شبکه حکومتی اداری مرکزی، کارکردهای سیاسی رهبر طایفه به قشر زیر دست آنها انتقال یافت و کل نظام اجتماعی پیچیدگی خود را از دست داد. به این اعتبار نباید نقش قدرت مرکزی بیگانه را در تجزیه جامعه کردی وعقب ماندگی آن دست کم گرفت.

بر این مبنا برقراری ساخت های دموکراتیک در عراق مستلزم ایجاد یک تحول اساسی در شیوه زندگی کردها نیز هست. در کردستان انتقاد بر نظام اجتماعی خودی چند دهه است که بالا گرفته. بسیاری از روشنفکران جوان بر این باورند، که ساختهای کهنه مانع قوام خودآگاهی نیرومندی برخوردار ند و تاکنون در تاریخ جنبش کردی چه بسا که عمده دار مسئولیتهای سیاسی بوده اند.

توده وسیع کردهایی که در تبعید بسر می برند، اهرم مهمی برای سازندگی جامعه کردی درآینده اند. اگر در کردستان خودمختاری برقرار شود وآنها به زاد وبوم خود بازگردند، در بنای ساخت های دموکراتیک نقش مهمی را عمده دار خواهند شد.

برای تحقق دموکراسی، سوادآموزی همگانی و تحصیل اجباری ابتدایی بایددر صدر هربرنامه ای قرارگیرد. آموزش حرفه ای برای رشد اقتصادی جامعه از واجبات است. جامعه کردی باید صنعتی شود، تا خلق به رفاه حداقلی دست یابد و دموکراسی خود راباثبات کند. همه اینها منوط به توام یافتن خودمختاری است. بدون تضمین بین المللی، پیمانهایی که امروزه دربغداد بسته می شود، وعده هایی هستند که پیش از این نیز بارها به خلق کرد در عراق داده شده است.

ملامصطفی بارزانی: یک فئودال و رئیس عشیره و در عین حال یک رهبر جنبش ملی. او چند دهه مظهر مقاومت خلق کرد بود.

www.iran-archive.com

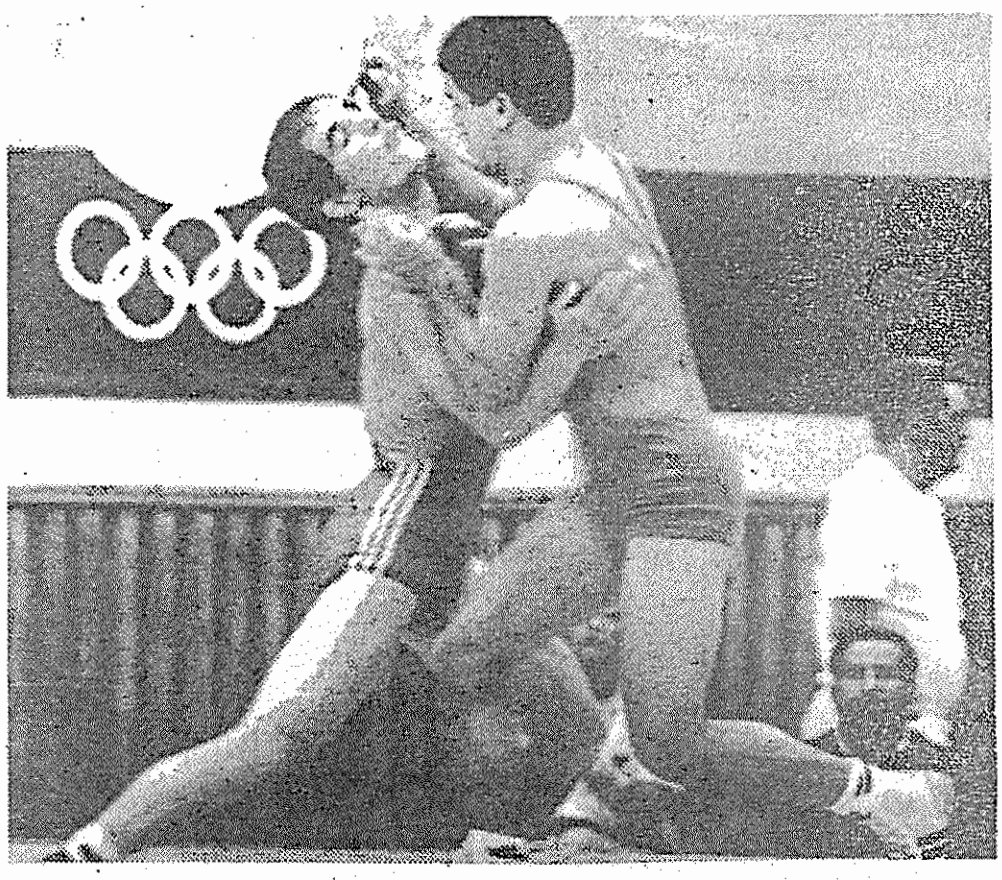

مجلس: شمار کاندیداها باید دو برابر منتخبین باشد

بررسی طرح اصلاحیه قانون انتخابات، درهفته گذشته نیز درمجلس ادامه یافت. ازمواد مهم مصوب، ماده‌ای بوده است که مطابق آن هرگونه انتخابات زمانی قابل اجرا است که عده کاندیداها لااقل دو برابر نفرات مورد نیاز باشند. انتخابات شوراهای کشوری از شمول این تصمیم مستثنی شناخته شدند.

در جریان انتخابات مجلس خبرگان، جناح تندرو با استناد به فقدان چنان تناسبی میان شمار کاندیداها و منتخبین، قانونیت آن را نپذیرفت و آن را انتخاباتی رسوادر تاریخ جمهوری اسلامی نامید. در آستانه انتخابات مجلس خبرگان دوم، جناح تندرو طرحی را برای تصویب به مجلس ارائه کرد که فوریت آن نیز تصویب شده بود. اما تصویب اصل طرح با ابستروکسیون (عدم شرکت دسته‌ای در جلسه رای‌گیری به منظور انداختن جلسه از حداقل رای دهندگان مورد نیاز) حامیان ائتلاف حاکم مقدور نشد. انتظار می‌رود تصویب این ماده از طرح انتخابات بامقاومت و منع شورای نگهبان مواجه شده و درگیری‌های تازه‌ای را ببار آورد.

آمادگی بازگشت دسته ای از سرمایه داران

دکتر عادلی رئیس کل بانک مرکزی در پی بازگشت از سفر آمریکا و گفتگو باسرمایه‌داران ایرانی مقیم این کشور، اعلام داشت ۴۵۰ تن از این سرمایه‌داران آماده مراجعت به ایران هستند. وی هم چنین ادعا کرد که در سال گذشته نرخ تورم به زیر ۱۰ درصد رسید ونرخ رشد تولید ناخالص ملی ۸/۵ درصد بود. به گفته وی در سال ۶۸ نرخ رشد ۴ درصد ونرخ تورم ۱۷/۴ درصد بود. عادلی در این گفتگو میزان واردات مواد غذایی به کشور را ۵ میلیارد دلار در سال اعلام داشت.

پایان چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب

چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران که از روز ۱۷ اردی بهشت ماه آغاز به کار کرد، روز جمعه گذشته به پایان رسید. دراین نمایشگاه ۳۲۰ ناشر داخلی با ۱۲ هزار عنوان کتاب و ۶۰۰ ناشر خارجی از ۳۰ کشور جهان با ۴۲ هزار عنوان کتاب شرکت داشتند. در نمایشگاه فوق، بخش ویژه‌ای به مطبوعات داخلی اختصاص داشت و ۳۵ نشریه، انتشارات خودرا در آن به نمایش نهادند. ۷۵۰ هزار نفر از نمایشگاه فوق بازدید کردند.

سفر گروهی از پزشکان ایرانی مقیم آلمان به کشور

در روز ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۷۰ تن از پزشکان ایرانی مقیم آلمان به دعوت ارگان های دولتی جمهوری اسلامی برای دیداری ۱۲ روزه وارد تهران شدند. بازدید کوتاه مدت این دسته از پزشکان ایرانی، نتیجه تلاش‌های اخیر مقامات دولتی برای جذب متخصصین مقیم خارج بوده است تا بتواند زمینه بازگشت دائمی آنان را فراهم آورد. در فرودگاه مهرآباد به خبرنگاران روزنامه‌ها اجازه تماس و گفتگوی مستقیم با پزشکان داده نشد. پلیس فرودگاه خطاب به خبرنگاران اخطار کرد که هرگونه تماسی باید تحت کنترل و نظارت مامورین انتظامی باشد! امتناع خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی از پذیرش این محدودیت، به کشاکش ودرگیری میان وی و مامورین انجامید. مامورین انتظامی خبرنگار این روزنامه را کشان کشان از صحنه خارج کردند. در طول مدت درگیری، پزشکان ایرانی که از مشاهده این کشاکش غافلگیر شده بودند، صحنه را ناباورانه تماشا میکردند. لازم به ذکر است که در مراسم استقبال از پزشکان گروهی از مقامات ارشد دولتی حضور داشتند!

گذرنامه یکروزه صادر می‌شود

بر اساس یک مصوبه شورایعالی اداری کشور، وزارت کشور و اداره گذرنامه موظف شدند یکروزه گذرنامه برای متقاضیان صادر کنند. این مصوبه باید از اول شهریور ماه سال جاری به اجرا درآید. مصوبه مزبور برای صدور گواهینامه رانندگی نیز مهلت یک روزه تعیین کرده است. صدور یک روزه گواهینامه رانندگی باید از اول مرداد ماه آغاز شود.

اختلافات مالی ایران و فرانسه هنوز حل نشده است

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از پاریس، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی، نتایج سفر اخیر رولان دوما وزیر خارجه این کشور به تهران را تشریح کرد، وی از جمله در مورد اختلافات مالی دو کشور گفت مذاکرات در این زمینه به نتیجه نهایی نرسیده است، اما در مسیری مطلوب جریان دارد. وی ضمن پیچیده خواندن ماهیت اختلافات مالی موجود، خاطر نشان ساخت که در مذاکرات اخیر عناصر اصلی این قضیه که از دیدگاه دو طرف خالی از ابهام بوده‌اند مطرح شد و انتظار می‌رود که دو کشور در آینده نزدیک به توافق نهایی دست یابند.

سابقه این اختلافات به وام‌هایی مربوط است که سازمان انرژی اتمی در زمان شاه در اختیار فرانسه قرار داد و پس از انقلاب در محاسبه بهره و بازپرداخت آنها بین دو کشور اختلاف پدید آمد.

افزایش بهای ارز تحصیلی

افزایش بهای ارز دامنگیر آن دسته از دانشجویانی نیز شده است که با تایید و از طریق ارگان های دولتی به خارج اعزام شده‌اند. این دسته از دانشجویان پیش از این از ارز تحصیلی به بهای رسمی یعنی هر دلار هفت تومان استفاده میکردند. اخیرا ارز تحویلی به آنها بر مبنای هر دلار ۶۰ تومان محاسبه شد و اکنون گفته می‌شود که مبنای محاسبه ارز تحصیلی هر دلار نزدیک ۱۴۰ تومان خواهد بود.

توافق نامه اقتصادی ایران و پاکستان

غلامرضا آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی به دنبال بازگشت از سفر به پاکستان خبر داد که یک یادداشت تفاهم بین دو کشور به امضاء رسیده است. مطابق این یادداشت، پس از بررسی‌های لازم، جمهوری اسلامی از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ میلادی روزانه ۲ هزار میلیون فوت مکعب گاز به پاکستان صادر خواهد کرد. براساس این یادداشت تفاهم ایران در ساختمان یک پالایشگاه ۱۲۰ هزار بشکه‌ای نفت در بندر قاسم پاکستان در منطقه بلوچستان این کشور مشارکت خواهد کرد.

قرار است پس از احداث پالایشگاه فوق، این بندر به یک بندر آزاد تبدیل شود. ۸۰ درصد سرمایه مورد لزوم برای احداث پالایشگاه فوق از محل اعتبارات بین المللی تامین خواهد شد و ۲۰ درصد بقیه را ایران و پاکستان به طور مساوی تامین خواهند کرد. ایران سهمیه خود را به صورت فروش نفت به پاکستان خواهد پرداخت.

منع سفر ایرانیان از طریق قطار زاهدان – کویته

به گفته یکی از مقامات راه‌آهن ایران، شهروندان ایرانی مجاز به استفاده از قطار مسافری زاهدان – کویته نیستند. حرکت قطار مسافری در این مسیر از فروردین ماه سال جاری آغاز گردید و هفته‌ای یکبار اتباع پاکستانی ودیگر کشورها را جابجا می‌کند. به گفته مقام مزبور بهره‌گیری مسافرین ایرانی از این قطار منوط به مصوبه ویژه هیات وزیران جمهوری اسلامی است!

تشکیل واحد ویژه نیروهای انتظامی

نیروی انتظامی کشور برای کنترل آمد و رفت در راه‌های کشور واحد ویژه‌ای را سازمان داده است. پیش از این کنترل ترددر گلوگاه‌های اصلی جاده‌های کشور توسط پاسداران کمیته و مامورین بسیج صورت می‌گرفت. کمی قبل از ادغام کمیته وشهربانی و ژاندارمری، ایستگاه‌های بازرسی در جاده‌ها برچیده شدند. اکنون بنابه اعلام یکی از فرماندهان نیروی انتظامی، این ایستگاه‌ها بار دیگر دایر می‌شوند. بنابر تاکید همین فرد، واحد ویژه مذکور، از نیروهای پاسدار انقلاب اسلامی تشکیل خواهد شد.

به گفته مقام مزبور گشت‌های "مبارزه با منکرات" نیز همچنان به کار خود ادامه خواهند داد. نام تازه این گشت‌ها "مبارزه با مفاسد اجتماعی" خواهد بود.

چند خبر کوتاه:

* مانور دریائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در خلیج فارس برگزار شد. در این مانور علاوه بر ناوگان جنگی دریائی جمهوری اسلامی، واحدهائی از هلیکوپتر وهواپیماهای جنگی نیز شرکت داشتند. مساحت منطقه مانور ۸ هزار کیلومتر مربع بود.

* برخی از رسانه‌های خارجی و نیز تعدادی از نشریات ایرانی چاپ خارج گزارش کرده‌اند که احتمال دارد بزودی خلخالی به اتهام جنایاتی که در سال های اول استقرار جمهوری اسلامی مرتکب گردید، تحت پیگرد قرار گیرد. در این زمینه رسانه‌های داخل کشور تاکنون خبری منتشر نکرده‌اند.

* با کنار گذاشته شدن سرتیپ حسنی سعدی از فرماندهی نیروی زمینی ارتش، سرتیپ عبدالله نجفی به این سمت گمارده شد. وی از خامنه‌ای این منصب را دریافت کرده است.

* با افزوده شدن دوتن از نزدیکترین همکاران رفسنجانی به مجمع تشخیص مصلحت، این ارگان عالی به سود رفسنجانی ترمیم شد. دو عضو تازه مجمع، دکتر حسن حبیبی ودکتر حسن روحانی می‌باشند که انتصاب آنها با حکمی از سوی خامنه‌ای صورت پذیرفت.

* در شیراز دست پنج تن به اتهام سرقت بریده شد. این حکم قرون وسطائی در زندان عادل آباد به اجرا در آمد. این گونه جنایات قوه قضائیه جمهوری اسلامی توقف ناپذیر است و هر از چندگاه نمونه‌هائی از آن در مطبوعات بازتاب می‌یابد.

* جمارانی سرپرست سازمان حج و اوقاف دربازگشت از سفر عربستان سعودی اعلام داشت مقامات سعودی جهت انجام "مراسم برائت ازمشرکین" دره کوهی را در اطراف مکه برای حجاج ایرانی در نظر گرفته‌اند. به گفته وی پذیرش این محل برای ایرانیان غیر ممکن است.

* صنایع داروئی دولتی و یا ملی شده تماما به بخش خصوصی واگذار خواهند شد. وزیر صنایع با اعلام این خبر افزود صنایع داروئی در سال های اخیر از رشد فوق العاده‌ای برخوردار بوده‌اند و توانسته‌اند تا ۹۰ درصد نیاز داروئی کشور را برآورده کنند. صنایع داروئی از جمله صنایع سودآور کشور است.

* روز جمعه گذشته، صبغت الله مجددی رئیس دولت موقت ائتلاف ۷ گانه مجاهدین افغانی به همراه ربانی و مولوی محمد نبی دوتن از رهبران مجاهدین برای مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی پیرامون تحولات افغانستان به تهران آمدند.

* در هفته گذشته در تهران هر دلار ۱۳۹ تومان، لیره استرلینگ ۲۴۳ تومان، مارک آلمان ۸۲ تومان، فرانک فرانسه ۲۴ تومان و دلار شناور بانک مرکزی ۱۳۷/۸ تومان معامله شد.

روزهای ۲۶ تا ۲۸ اردیبهشت ماه سالن ۱۲ هزار نفری ورزشگاه آزادی تهران صحنه رقابت برگزیدگان کشتی فرنگی آسیا بود. دراین مسابقات ۱۱ تیم از کشورهای ژاپن، چین، تایوان، کره شمالی، کره جنوبی، فیلیپین، هند، افغانستان، سوریه، اردن و ایران شرکت داشتند. از ابتکارات نیکوی تربیت بدنی دراین مسابقات آن بود که اجازه داد دانشجویان و دانش‌آموزان به طور رایگان به تماشای کشتی‌ها بروند.

پس ماندگی هولناک تحصیلات عالی در ایران

در کشورهای پیشرفته در ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت، پنج هزار تن دانشجو وجوددارد. در کشورهای جهان سوم در ازای هر یکصد هزار جمعیت ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تن در دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند. در ایران مطابق پیش‌بینی‌های برنامه پنج ساله اول، در پایان دوره این برنامه تعداد دانشجویان کشور در ازای هر یکصد هزار تن جمعیت تنها به رقم ۷۷۷ نفر خواهد رسید. مطالب فوق بخشی از سخنان دکتر معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی در گفتگو با خبرنگار کیهان بود.

www.iran-archive.com

رفسنجانی در گفتگو با دانشجویان:

* بخاطر جنگ ده سال عقب مانده ایم.

* راه حل عراق پذیرش انتخابات آزاد به سبک ایران است!

* نهضت آزادی غیر قانونی است

هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور در روز ۱۵ اردیبهشت ماه با حضور در جمع گروهی از دانشجویان به برخی از پرسش‌های آنان پیرامون مسائل کشور و سیاست های جاری پاسخ گفت. این اجتماع بخاطر سمینار بزرگداشت مطهری برپا گردیده و پرسش و پاسخ در پی سخنان رفسنجانی در این سمینار صورت گرفت.

نخستین پرسش این بود:

برنامه‌های اقتصادی دولت... بخشی از مردم را واقعا مستاصل کرده است... آیا دستگاهی واقعا در پایان برنامه پنج سال وجود دارد که مشخص کند چرا مطابق برنامه اعلام شده عمل نگردید.

رفسنجانی در پاسخ به‌این پرسش به اقلامی از کالاها اشاره کرد که بهای آنها در سال گذشته کاهش داشت و مدعی شد نرخ تورم از ۳۰ درصد به ۸ درصد رسیده است وی در پایان گفت ما مستاصل نمی‌بینیم، حقوق مردم را حدود ۳۰ درصد اضافه کردیم. حدود ۳۰ درصد حقوق کارمندان اضافه شد که در تمام دوران جنگ چنین اتفاقی نیفتاده بود. مزد بگیران مشکل داشتند. دریافت ها بیشتر از تورم است.

با وجود توضیحات فوق پرسشگر دیگری تاکید کرد گرانی و تورم موجود است و علت آن را پرسید. این بار رفسنجانی ریشه مشکلات را عوارض و عقب ماندگیهای ناشی از جنگ نامید و گفت: ده سال تقریبا در همه مسائل زیر بنایی عقب هستیم... در تمام دوران جنگ، معکوس عمل می‌کردیم و فقط خرج روزانه مردم را تهیه می‌کردیم، ما باید آن ۱۰ سال را جبران کنیم.

رفسنجانی در پایان نتیجه گرفت تورم موجود ناشی از رشد سرمایه گذاری است. با وجود این ادعا، رفسنجانی در پاسخ به پرسش دیگری در این زمینه پذیرفت در تورم جاری، افزایش بهای کالاهای دولتی نقش ایفا می‌کند. وی از افزایش بهای اقلام بسیاری از کالاها دفاع کرد و آن را ضروری دانست. وی منتقدین این سیاست را شعار دهندگان نق زن نامید.

بحث بر روی مسائل اقتصادی اصلی‌ترین محور بحث این جلسه بود که وقت زیادی را به خود اختصاص داد. در پی آن سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیش از دیگر مباحث مورد پرسش دانشجویان قرار گرفت. در پاسخ به پرسش‌های متعدد در این زمینه رفسنجانی از روند جاری سیاست خارجی دفاع کرد. درباره برقراری مناسبات با دیگر دولت ها گفت تنها رابطه با دولت اسرائیل مقدور نیست و رابطه با آمریکا یک بحث خاص دارد که فعلا می‌گذارم کنار.

پیرامون مساله اجرای قطعنامه ۵۹۸ و اجرای بند ۶ آن برای تعیین متجاوز گفت بنا بود دبیر کل سازمان ملل تا پایان ماه آوریل هیات مربوطه را اعزام کند که این وعده متحقق نشد. رفسنجانی علت این امر را ناشی از فشار آمریکا به دبیر کل دانست.

پیرامون مسائل داخلی کشور عراق، رفسنجانی خودمختاری احتمالی کردستان عراق را رد کرد. به زعم و گفته رفسنجانی، راه حل عراق پذیرش انجام انتخابات آزاد مثل ایران است!

برخی از پرسشهای دانشجویان شامل مسائل مربوط به آزادی احزاب و آزادی‌های سیاسی بود. رفسنجانی در پاسخ مدعی شد که آزادی هم اینک وجود دارد منتها **افراد جرات نمی‌کنند بروند حزب تشکیل دهند (خنده حضار) بخاطر اینکه می‌بینند موفق نمی‌شوند.** با وجود این ادعا در پاسخ دانشجوئی که از وضعیت نهضت آزادی می‌پرسید، گفت **نهضت آزادی به خاطر بعضی مواضعی که گرفت و ولایت فقیه را قبول نداشت مطابق قانون غیرقانونی شد.** برغم این پاسخ که عدم پذیرش ولایت فقیه برای انحلال یک حزب کافی است، رفسنجانی در پاسخ به پرسشی که آیا احتمال فعالیت احزاب و گروه‌هایی که در اوایل انقلاب فعالیت می‌کردند وجود دارد مدعی شد اشتیاق دارم که احزاب در کشور راه بیفتند، تنها خلاف قانون کار نکنند.

در بخشی از این پرسش و پاسخ رفسنجانی به لحاظ وابستگی جناحی خود تحت سوال قرار گرفت که آیا وابسته به جناحی از میان جناح‌های حکومتی است؟ رفسنجانی از پاسخ به این پرسش سرباز زد و گفت جواب به این سوال یک بحث مستقل و مناسب دیگری را طلب می‌کند!

افزایش فشار بر جویندگان ایرانی کار در ژاپن

می‌شود. طبعا اقامت کوتاه مدت نمی‌تواند جبران هزینه اولیه، بهره رباخوار و سهم دلالها را تامین کند و اندوخته‌ای هم ببار آورد. از اینرو آنها ناگزیر هستند فراتر از محدوده زمانی تعیین شده از سوی پلیس به اقامت خود در ژاپن ادامه دهند و دشواریهای اقامت غیر قانونی را بپذیرند. در صورت اقامتی چند ماهه، بخشی از آنها قادر می‌شوند باجبران هزینه‌ها چند صدهزار تومان پس‌انداز کنند اما برای بسیاری از آنها به رغم تحمل همه مشقت ها چیزی باقی نمی‌ماند و برخی از آنها حتی قادر به جبران هزینه‌ها نیز نمی‌شوند.

نحوه گذران زندگی جوانان ایرانی در ژاپن غم انگیز است همان دلالها آنان را در اتاقک هائی به عنوان خانه جای میدهند که تنها سرپناه است و فاقد همه چیز است. ترس از دستگیری توسط پلیس، هراس از دست دادن کار و ناتوانی در بازپرداخت بدهی ها آنان را در اضطراب دائمی نگهمیدارد. تاکنون چندین ایرانی جویای کار در ژاپن به قتل رسیده‌اند و یا خودکشی کرده‌اند. تنها در فروردین ماه سال جاری سه نمونه از آن در مطبوعات منعکس شد. به رغم همه این دشواری ها همچنان تقاضای سفر به ژاپن بسیار بالاست. باوجود افزایش بهای بلیط هواپیما، هنوز

یافتن جا برای پرواز به توکیو کار دشواری است. عده متقاضیان چنان زیاداست که باعث ازدحام دائمی در منطقه اطراف دفاتر فروش بلیط گردید. در اسفند ماه هواپیمائی ملی از متقاضیان سفر به ژاپن خواست بجای مراجعه به مراکز فروش بلیط، در استادیوم آزادی گرد آیند. گزارش روزنامه کیهان از ورزشگاه آزادی در این روز تصویری از کثرت مراجعین بدست می دهد. این روز نامه چنین می نویسد:

روز و بلیط ایران ایر به مقصد ژاپن از نخستین ساعات صبح امروز با حضور جمعیتی در حدود ۸۰ تا ۹۰ هزار نفر در استادیوم ورزشی آزادی تهران آغاز شد.

بدگزارش خبرنگار ما علیرغم اینکه قبلا اعلام شده بود که روز بلیط در روز ۲۷ اسفند انجام می شود، گروه زیادی از متقاضیان سفر به ژاپن از چند روز پیش باهر وسیله ای خود را به این محل رسانده و در اطراف استادیوم مستقر شده بودند.

در میان جمعیت انبوه، گروه زیادی از مردم شهرستانهای مختلف حضور داشتند. موج جمعیت در اطراف استادیوم ترافیک سنگینی را بوجود آورده بود. در یک کیلومتری اطراف استادیوم هزاران و سیله نقلیه شخصی پارک شده بود و سرنشینان آنها برای ورود به محوطه استادیوم با شتاب زاید الوصفی از این سو به آن سو می دویدند. حضور گروه زیادی از خانمها نیز که برای رزرو بلیط آمده بودند، در میان جمعیت چشمگیر بود.

در ساعت ۸ صبح جایگاه تماشاگران فوتبال مملو از جمعیت بود...

گفتنی است که علاوه بر بیکاران گروهی از شاغلین بخش دولتی نیز بااستفاده از مرخصی به ژاپن می‌روند وطول مدت مرخصی بدون حقوق را در ژاپن کار می‌کنند. آنها امیدوارند با درآمد حاصله بتوانند ناچیز بودن حقوق کارمندی خود را جبران کنند و معاش خانواده را تامین نمایند. سال گذشته سفر عده زیادی از پرسنل فنی هواپیمائی ملی به ژاپن برای یافتن کار در سطوحی از جامعه بازتاب یافت. تعداد این کارکنان چنان زیاد بود که به بروز اختلالاتی در پروازهای داخلی انجامید.

اکنون پلیس ژاپن با اعمال محدودیت های تازه عرصه را بر ایرانیان جویای کار تنگ کرده است. پلیس ژاپن در اعمال فشار به ایرانیان پروای واکنش رژیم جمهوری اسلامی را ندارد. سفارت ایران در ژاپن در پیگیری علت قتل هائی که صورت گرفت، در رسیدگی به وضعیت ایرانیانی که زندانی می‌شوند، و در واکنش به رفتار پلیس که بطور غیرقانونی ایرانیان بسیاری را از همان فرودگاه باز می‌گرداند،،، هیچ اقدامی به عمل نیاورده است. بدینگونه جوانان ایرانی جویای کار در ژاپن بی‌آنکه بمثابه شهروند کشورمان از پشتوانه وپشتیبانی برخوردار باشند در چنبره پلیس، دلال وکارفرما بی پناه رها شده‌اند. این جلوه‌ای از سرنوشت تلخی است که رژیم اسلامی برای جوانان میهن مارقم زده است.

اعدام‌های دسته جمعی تاکی؟

گروهی از مردم کاشان در اعتراض به اعدام متهمین به قاچاق مواد مخدر تظاهرات کردند

می‌گردد خود بیانگر عدم موفقیت رژیم است.

در این میان، نارضایی مردم از اعدام‌های گسترده رو به افزایش است. در حالیکه ۲ سال پیش مسئولان مربوطه با قول موفقیت سریع در ریشه کردن قاچاق مواد مخدر، اعدام‌های بی‌حساب و کتاب خود را توجیه می‌کردند

،اکنون بعد از گذشت ۲ سال و اعدام ۲ هزار تن این سئوال مطرح است که این اعدام‌های خشونت آمیز و سبعانه که در بسیاری موارد جان معتادین ساده را می‌گیرد، تا کی ادامه خواهد یافت؟ آنچه که بر نارضایتی‌ها و نگرانی‌ها نسبت به اعدام‌های دسته جمعی دامن میزند، گزارشات متعددی است مبنی بر اینکه رژیم بسیاری از مخالفین سیاسی خود را نیز به نام قاچاقچی در جریان این اعدام‌ها تیرباران می‌کند و یا به دار می‌آویزد. اخیرا آشکار شده است که رژیم حتی گروهی از زندانیان عادی را نیز به اتهام قاچاقچی اعدام کرده است.

رژیم در کنار پیشبرد بلاوقفه اعدام‌های گسترده و دسته جمعی، همکاری‌هایی را باسازمان های بین المللی در زمینه مبارزه با مواد مخدر شروع کرده است. هفته گذشته یک هیئت وابسته به ستاد مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی در ۳۴-مین کمیسیون مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد شرکت کرد. رئیس این هیئت در گفتگو با خبرنگاران خبر داد که در جریان ملاقات هیئت جمهوری اسلامی با معاون دبیر کل در امر مبارزه با مواد مخدر، قرار شده است که با همکاری سازمان های وابسته به سازمان ملل و با سرمایه گذاری صندوق بین المللی مبارزه با موارد مخدر، اقداماتی برای بستن مسیر عبور کاروان های حامل مواد مخدر از شرق ایران صورت گیرد. به همین منظور هیئتی از سوی سازمان ملل ظرف ۲ ماه آینده از ایران بازدید خواهد کرد.

اعتیاد به مواد مخدر هم چون مرگ سفید، پنجه‌های خود را هر روز بیش از پیش در پیکر جامعه ما و بویژه بخش‌های جوان و کم سن و سال آن فرو می‌کند، اکنون مبارزه با این پدیده شوم و ویرانگر به یک وظیفه بزرگ ملی و انسانی بدل شده است، اما رژیم اسلامی در حالیکه در ظاهر امر مبارزه آشتی ناپذیری را علیه اعتیاد و فعالیت های مربوط به قاچاق مواد مخدر انجام می‌دهد در واقع امر خود یکی از مسببین اصلی گسترش زمینه های اجتماعی این پدیده و پرو بال گرفتن باندهای گسترده و مهیبی است که یک سر آنان به مجاهدین افغانی تحت حمایت رژیم وصل است و سر دیگر آن در درون ارگان های خود حکومت نظیر کمیته‌های سابق قرار دارد.

به اعتقاد ما اقدامات گسترده فرهنگی و تربیتی نظیر دادن آموزشهای درست به جامعه و بویژه بخش‌های جوان در مورد خطرات اعتیاد، فراهم آوردن امکانات تفریحی و اجتماعی برای جوانان، مجازات های مناسب و الویت دادن به بازآموزی در مورد معتادین و در عین حال فعالیت های امنیتی برای شناسایی و از میان بردن باندهای مواد مخدر و قاچاقچیان حرفه‌ای و کنترل مرزها باید جای اعدام‌های گسترده کنونی را بگیرد.

کنترل ورود مواد مخدر به ایران توسط سازمان ملل

به منظور اتخاذ تمهیداتی برای مسدود ساختن راه ورود مواد مخدر از مرزهای شرقی به کشور، ظرف ۲ ماه آینده هیائی از سوی سازمان ملل متحد به ایران خواهد آمد. سفر این هیات، نتیجه مباحثات سی و چهارمین کمیسیون مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل بوده است که هیائی از ایران نیز در آن حضور داشت. بنظر می‌رسد ناتوانی ایران در جلب موافقت مسئولین پاکستانی برای کنترل و ممانعت صدور مواد مخدر زمینه اعزام این هیات بوده باشد.

میان دستجات دانشجوئی اسلامی چه می‌گذرد

درپیوند با درگیری‌های جناح های حکومتی، روزنامه کیهان هوایی طی مقاله‌ای (به قلم دبیر سرویس خبر) گلایه‌هایی در رابطه با دیدار هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور با اعضای شورای مرکزی "جامعه اسلامی دانشجویان" مطرح ساخته است. نویسنده مقاله می‌گوید: ملاقات کنندگان با ریاست جمهوری نه منتخب دانشجویانند و نه نماینده واقعی آنان. بدین ترتیب، این ملاقات صرفا به گروهی رسمیت بخشید که از روی بی قاعدگی صرف، خود را نماینده دانشجویان کشور معرفی کرده‌اند.

جامعه اسلامی دانشجویان یکی از سه تشکل اسلامی دانشجویی است که هریک به جناحی وابسته‌اند. دو جناح دیگر دفتر تحکیم وحدت و اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان وفارغ التحصیلان دانشگاه‌ها هستند. دفتر تحکیم وحدت نخستین تشکل دانشجوئی وابسته به محافل حکومتی بود که در مراکز آموزش عالی سازمان داده شد. این تشکل بخاطر ارتباطات مستحکمی که با جناح تندرو حکومت و حاشیه حکومت دارد در موضع انتقادی دولت رفسنجانی قرار گرفته است. دیدار رفسنجانی با اعضای شورای مرکزی "جامعه اسلامی دانشجویان" حرکت آشکاری در جهت تضعیف و حذف دفتر تحکیم وحدت محسوب می‌شود.

۳۰۰۰ تاکسی مدل پژو برای تهران

تحویل سه هزار تاکسی از نوع پژو به متقاضیان در تهران آغاز شده است. با افزوده شدن این رقم بر شمار تاکسی‌های تهران، تعداد کل تاکسی‌ها در پایتخت به ۲۵ هزار خواهد رسید. نرخ تاکسی پژوی جدید یک میلیون و دویست هزار تومان است. به گفته شهردار تهران این تاکسی‌ها به کسانی داده می‌شود که از "حسن سابقه" برخوردار باشند.

در تهران روزانه ۳ میلیون تن توسط تاکسی جابجا می‌شوند.

www.iran-archive.com

چه کسی مقصر است؟

تحقیقات کنگره امریکا حاکی از آن است که ۵ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد یعنی امریکا، شوروی، انگلستان، فرانسه و چین طی ۱۴ سال گذشته، بیش از ۱۵۳ میلیارد دلار سلاح و تجهیزات نظامی به کشورهای خاورمیانه فروخته‌اند.

به گزارش رادیو اسرائیل، بزرگترین کشور خریدار سلاح در منطقه عراق بوده است که حدود ۵۳ میلیارد دلار تجهیزات نظامی وارد کرده است. پس از عراق، عربستان سعودی دومین خریدار عمده سلاح بوده است. بر اساس این گزارش اتحاد شوروی با فروش ۷۴ میلیارد دلار اسلحه در صدر ۵ کشور فوق بوده و پس از آن امریکا با ۴۴ میلیارد دلار فروش تسلیحات قرار داشته است. حجم عمده این سلاحها در دست رژیمهای دیکتاتوری و توسعه طلب قرار گرفت و موجب برافروخته شدن آتش ۲ جنگ خونین در این منطقه گردید. اکنون بخش بزرگی از این سلاحها، براثر جنگهای فوق از بین رفته و شرکت های اسلحه سازی در تلاشند تا محموله های جدید کالاهای مرگبار خود را با قیمتهای گزاف و از طرق پنهان و آشکار به منطقه بحران زده ما سرازیر کنند. به گزارش رادیو بی.بی.سی در مذاکراتی که بین وزارت دفاع و خارجه امریکا بر سر فروش سلاح به خاورمیانه در گرفته است، رئیس جمهور این کشور فروش سلاح به کشورهای منطقه را یکی از راههای دادن اطمینان به آنان دانسته است.

احسان کوچولو و منطق حکومتی!

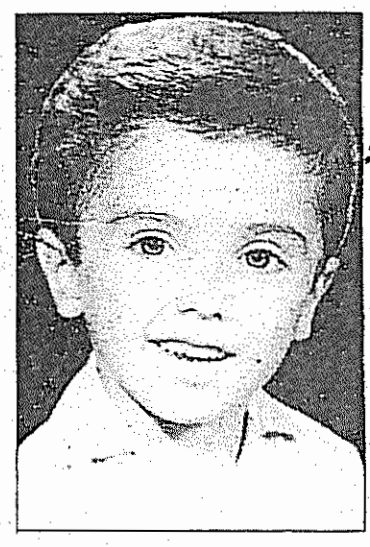

احسان، طفل ۷ ساله ایرانی که از بدو تولد بیمار بود، سرانجام در مرز آخرین شانس نجات زندگیش متوقف ماند و جان سپرد. پدر و مادر شهرستانی احسان پس از مدتها دوندگی در ایران بالاخره موفق می‌شوند پاسپورت و ویزا تهیه کرده و با صرف پول هنگفت، خود را برای آزمودن آخرین احتمال های نجات فرزندشان به سوئیس برسانند. اما وقتی مجبور می‌شوند طبق توصیه اکید پزشکان سوئیسی، فرزندشان را سریعا پیش تنها پروفسور متخصص این بیماری در فرانسه ببرند، با جواب منفی کنسولگری فرانسه روبرو می‌شوند. مقامات کنسولگری فرانسه در سوئیس نه فقط به این تقاضای انسانی بی‌اعتنایی می‌کنند بلکه به توصیه رسمی و مکتوب پروفسورهای سوئیسی مبنی بر انتقال بی‌تاخیر احسان به فرانسه هم بی‌توجهی نشان می‌دهند. و احسان نوگل که حالش به وخامت گرائیده بود، بر روی دست والدین ناامید از عبور از مرز فرانسه پرپر می‌شود و پدر و مادر او، برای همیشه دلبندشان را از دست می‌دهند.

کنسولگری فرانسه در سوئیس، در مقابل اصرار والدین احسان کوچولو فقط یک پاسخ داشت: منطق حکومت فرانسه!

همانگونه که کیهان هوایی در خارج از کشور نیز که در شماره ۱۸ اردیبهشت ماه خود خواسته است تا از این واقعه غم‌انگیز بهره برداری کند، از همین منطق حکومتی تبعیت می‌کند: منطق حکومت جمهوری اسلامی در برابر منطق دولت فرانسه! کیهان هوائی که سخنگوی حکومت جمهوری اسلامی در حال و هوای خارج از ایران است، در نوشته خود حتی یک سطر به علل تاخیر چند ساله انتقال این کودک معصوم به خارج از ایران و معالجه به موقع او توسط متخصص‌های اروپایی اشاره نکرده است. زیرا می‌داند که این شراکت در ادعانامه علیه حکومت جمهوری اسلامی است. و اما از آن بدتر، حتی نخواسته است به خوانندگان خود بگوید که وقتی والدین احسان کوچولو به هنگام روبرو شدن بالاجاجت کنسولگری فرانسه در سوئیس از سفارت جمهوری اسلامی در این کشور استمداد می‌طلبند، تنها این پاسخ را می‌شنوند: "این مسئله، به ما ربطی ندارد!"

غرش و نالش

احمد زمانپور

التفات بفرمائید:

"... بحث امروز ما تنها بر سر این نیست که چرا در صورت ادامه اصرار دوست فاشیست انگلستان در حمایت از سلمان رشدی ملعون دولت ایران با او رابطه سیاسی برقرار کرده و جاسوس کهنه کارش را نیز آزاد می‌نماید، امروز نگرانی اصلی ما تنها از این نیست که چرا در چهارچوب طرح طائف ایران انقلابی به خلع سلاح حزب الله در جنوب لبنان راضی می‌گردد، درد اساسی امروز ما تنها این نیست که چرا ایران اسلامی با مرتجع‌ترین رژیم‌های منطقه از جمله عربستان این عامل کشتار زائران خانه خدا و مصر این رسوای کمپ دیوید رابطه سیاسی خود را مجددا برقرار می‌سازد..."

بیانیه دفتر تحکیم وحدت در ارتباط با آزادی کوپر انگلیسی

باز هم التفات بفرمائید:

...بلکه سخن اصلی در اینجا این است که چرا در توضیح اصولی این حوادث بسیار مهم و ضروری هیچگونه تلاشی از سوی مسئولین ذیربط در سطح جامعه صورت نمیگیرد و...

ایضا بیانیه دفتر تحکیم وحدت در ارتباط با آزادی کوپر انگلیسی

شیر محتضر را پرسیدند: "چرا می‌غری؟" گفت: "می‌ترسانم!"

پرسیدند: "چرا می‌نالی؟" گفت: "می‌ترسم!"

هانس دیتریش گنشر از نگاه مطبوعات ایران

همزمان با بهبود بی سابقه مناسبات جمهوری اسلامی با آلمان، آن بخش از روزنامه‌های دولتی تهران که متمایل به دولت رفسنجانی هستند، به تحقیق و تفحص پیرامون دوستی‌های دیرینه ایران و آلمان مشغول شده و به نحوی ظریف حتی بار دیگر "ریشه مشترک آریایی" مردم دو کشور را یاد آور می‌شوند. در این میان، هانس‌دیتریش گنشر وزیر خارجه آلمان که از او بعنوان معمار روابط دوستانه دو کشور یاد می‌شود، به شخصیتی محبوب در نزد این روزنامه‌ها تبدیل شده است. روزنامه اطلاعات طی مقاله‌ای افتخارات گنشر را چنین برشمرده است:

– تنها وزیر خارجه کشورهای غربی که بهنگام جنگ ایران و عراق و تیرگی روابط جمهوری اسلامی با غرب، همواره خواهان رابطه آلمان با ایران بود و اجازه نداد این رابطه تاریخی و سنتی قطع شود.

– اولین وزیر خارجه کشورهای غربی که در طول جنگ ایران و عراق، علنا عراق را متجاوز خواند.

– اولین شخصیت سیاسی غربی که علناخواهان محاکمه صدام حسین در یک دادگاه بین المللی شد.

– کسی که گفته است: ایران نقش تعیین کننده‌ای در منطقه بازی می‌کند و نباید کنار گذاشته شود.

– کسی که گفته است: باید مرکز ثقل کمک‌های آلمان برای آوارگان کرد از ترکیه به ایران منتقل شود.

– کسی که توانست موافقت مقام‌های آلمان را برای اعزام ۱۰۰۰ امدادگر و ۱۰۰۰ چتر باز آلمانی به ایران به منظور کمک به آوارگان کرد جلب کند

– معمار اصلی اردوگاه ۵۰۰۰ هزار نفری آلمانیها در زمینی به وسعت ۹ هزار متر مربع در باختران.

و خلاصه: شخصیتی که همواره از منافع ملی ایران دفاع کرده است!

نشانه سلحشوری برای شوارتسکف

غرب همچنان ژنرال نورمن شوارتسکف فرمانده امریکایی نیروهای متحد در جنگ با عراق را می‌ستاید و افتخارات خود را به‌پای این قابله "نظم نوین جهانی" می‌ریزد. این هفته الیزابت دوم، ملکه انگلستان در جریان سفر خود به امریکا، در ایالت فلوریدا، از ژنرال شوارتسکف تجلیل کرد و مقام افتخاری "سلحشوری" را به او اعطا کرد.

ملکه انگلیس، سهم "جنوب" را نیز فراموش نکرد و به نشانه اعتقاد "نظم نوین جهانی" به برابری شمال و جنوب، خالدبن سلطان وزیر دفاع عربستان سعودی را نیز هم‌چون ژنرال امریکایی به این لقب سلحشوری مفتخر ساخت!

واقعیت ریاضیات!

یکی از بچه‌ها پرسید: – آقا حاصل تقسیم سینوس اشتیاق به کسینوس اراده چیست؟

دبیر ریاضی لبخند زد: تانژانت پیروزی.

– مجذور صبر و تحمل در جهان فرداکدام است؟ سعادت.

– از جمع علم و ایمان برای هر فرد چه حاصل می‌شود؟ انسانیت.

– آقا آیا می‌شود غم را به گونه‌ای تقسیم کرد که خارج قسمتش شادی باشد؟

بله به شرط آنکه مقسوم علیه کسر، استقامت باشد.

– آیا می‌توان از متغیر امید، مشتق اعتماد به نفس را گرفت؟

بله اما در فرض مسئله، باید این نکته ذکر شود که امید پایدار و واقعی باشد.

دبیر ریاضی که شخصیت دور از دسترسی داشت و همیشه می‌خواست در زوایای دور ابهام مستور بماند و هرگز کنه وجودش را برای شاگردانش فاش نکند، در پایان چنین نتیجه گرفت: با توانین ریاضیات روابط و نسبت‌های طبیعی موجود در جهان آفرینش را می‌توان به دست آورد، اما واقعیت ریاضیات چیزی نیست جز برهان و دلیل واضح برقانونگذار کل!

برگرفته از اطلاعات، ۱۸ اردیبهشت ۷۰

فرهنگنامه روز

شورای همکاری خلیج

در نظام امنیتی منطقه خاورمیانه و خلیج فارس پس از جنگ بر سر کویت، "شورای همکاری خلیج" جایگاه و وزن ویژه‌ای یافته است. در آخرین کنفرانس وزرای خارجه شورای همکاری خلیج (۶مه) عبدالله بشاره دبیر کل شورا اعلام کرد که گفتگوهای همه‌جانبه‌ای با جمهوری اسلامی در جریان است تا ایران نیز در رابطه تنگاتنگ با شورا در نظام امنیتی منطقه دخالت جوید.

در شورای همکاری خلیج ۶ کشور عضویت دارند: عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی. مرکز شورا در ریاض است اجلاسهای شورا در سطوح مختلفی تشکیل می‌شود. اجلاسهای عالی در سطح سران و سپس وزرای خارجه کشورهای عضو است. شورای همکاری خلیج، تنظیم کننده همکاری‌های مشترک کشورهای عضو در زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی است. تاکنون مرکز ثقل فعالیتهای شورا در زمینه امور سیاسی و امنیتی و نظامی بوده است. باتوجه به تحولات منطقه بعید نیست که شورا به یک پیمان کامل نظامی تبدیل شود. شورا در حال حاضر دارای یک نیروی نظامی مشترک با عنوان "ترس شبه الجزیره" (سپر شبه جزیره) است که ۱۵۰۰۰ سرباز را در برمی‌گیرد (مجموع نیروی نظامی ۶ کشور عضو شورای خلیج ۱۷۰۰۰۰ سرباز است). قرار است که این نیروی نظامی مشترک، تقویت شده و به‌عنوان رکن اصلی امنیت منطقه خلیج فارس عمل کند. مصر و سوریه برآنند که بخشی از نیروی نظامی خود را زیر پرچم "ترس شبه الجزیره" قرار دهند. تاکید بر تقویت نیروی نظامی مشترک، پس‌آمد جنگ بر سر کویت است. در جریان این جنگ نیروی نظامی مشترک "شورای همکاری خلیج" عملا نتوانست نقشی ایفا کند. آمریکا، انگلیس و دیگر متفقین غربی جنگ کویت، خواهان تقویت این نیرو هستند و به لحاظ تسلیحاتی به آن یاری می‌رسانند.

شورای همکاری خلیج در ماه مه ۱۹۸۱ تاسیس شد. علیرغم این که در آن هنگام کشورهای عضو شورا در جنگ ایران و عراق، عمدتا جانب عراق را داشتند، خواهان آن نبودند که از جنگ، یک عراق فاتح و نیرومند سربرآورد. عراق در برابر تشکیل شورا، موضع منفی گرفت و آن را به مثابه در هم‌شکستن جبهه مشترک عربی و منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران توصیف کرد. جمهوری اسلامی نیز در برابر این تحول، موضعی منفی داشت و شورا را اتحادی از کشورهای پیرو غرب در خلیج فارس علیه خود می‌دانست. اما دیری نپایید که تبلیغ علیه شورای همکاری خلیج از سوی مقامات رسمی تهران متوقف شد و رژیم اسلامی روابطی با شورا برقرار کرد، آنهم با این نیت که بین کشورهای عضو شورا و بغداد فاصله ایجاد کند. شورا در زمینه میانجی‌گری بین ایران و عراق فعالیت‌های چندی به عمل آورد که ناموفق بود.

تشکیل شورا در درجه اول واکنشی بود در برابر تحولات منطقه پس از انقلاب ایران، حوادث افغانستان، و جنگ ایران و عراق. سائق دیگر در امر تشکیل شورای همکاری خلیج، بیم شیوخ حاکم بر کشورهای تشکیل دهنده این نهاد، از تحولات درونی بود. بهم خوردن ساختار سنتی در این کشورها، تشدید مبارزه طبقاتی در آنها، قدرت یابی یک قشر متوسط تحصیل کرده که خواهان مشارکت در امور سیاسی بود و از نظام شیخ‌سالاری انتقاد می‌کرد، بیم از نقشی که ارتش در این کشورها می‌یافت و بالاخره موج اسلام‌گرایی در کل منطقه، شیوخ را واداشت که برای تضمین بقای خویش، به اتحاد با یکدیگر روآورند، تا بتوانند از نیروی مشترک برای کنترل روندهای نامطلوب در درون هر کشور عضو بهره گیرند. واشینگتن از آغاز امیدوار بود که نیروی نظامی شورای همکاری خلیج بتواند مکمل "نیروی واکنش سریع" آمریکا باشد. این نیرو در واکنش نسبت به تحولات افغانستان و ایران تشکیل شد و هدف آن پر کردن خلاء ناشی از سقوط شاه که ژاندارمی منطقه را بر عهده داشت، بود. تحولات بعدی، بویژه ماجرای کویت ثابت نمود که شورا، انتظاراتی را که از آن می‌رفت قادر نبوده است که برآورده کند. اکنون شورای همکاری خلیج وارد دومین مرحله حیات خود شده و بر آن است که در این مرحله به رکن اساسی امنیت منطقه – آن گونه که مورد نظر کاخ سفید و کاخهای شیوخ حاکم بر کشورهای عضو است – تبدیل گردد.

شورا به روابط خود با تهران بهای ویژه‌ای می‌دهد. شورا بر آن است که در عین تقویت خویش وضعیتی پیش نیاید که حساسیت ایران، برانگیخته شود. مقامات تهران به نوبه خود، خواهان تقویت رابطه با شورای همکاری خلیج شده‌اند. تقویت رابطه با شورا همپای تشنج زدایی در رابطه تهران با عربستان و کویت پیش می‌رود.

هدیان های مرد خون سرد

* وقتی خونم به جوش می‌آید، چند میلی‌لیتر آب یخ به رگهایم تزریق می‌کنم.

* مدتی است که وقتی فشار خونم می‌خواهد بالا برود، نه از گلبول های سرخ بلکه از گلبول های سفید بجای پله استفاده می‌کند.

* چتی رنگ خون، سرخ پوست‌ها هم سرخ‌تر از خون بقیه انسانها نیست.

* سالهاست تصمیم دارم به سازمان های درمانی، خون اهدا کنم، اما گلبول های سرخ و سفید خونم بر سر این مسئله به توافق نرسیده‌اند.

* ترنهاست در میدان های شهرهای بزرگ و کوچک به پای دمکراسی خون اهدا می‌شود. اما فقط گروه خون این خون ها به گروه خون دمکراسی نمی‌خورد.

* خون انسان به دار آویخته شده به خون آدم تیرباران شده جسودی می‌کند.

* مامور چوب اعدام تقاضا کرد که مامور تیر خلاص شود. انگیزه‌اش مبلغی است که ماهانه بابت حق آب و صابون به مامورین تیر خلاصی می‌پردازند تا دستمایشان را از لکه‌های خون تیرباران شده‌ها پاک کنند.

* آبی که برای شستن خون های ریخته شده در راه آزادی به مصرف می‌رسد، در دل خون گریه می‌کند.

ا. کاشفیان

www.iran-archive.com

بیاد استاد محمدتقی بهار

''کجاست روزگار صلح و ایمنی...
کجاست عهد راستی و مردمی...
کجاست دوریاری و برابری...''

امروز چهل سال از مرگ سخنور گرانمایه، ادیب انسان دوست و آزاده، استاد محمدتقی بهار میگذرد. بزرگمردی که قلبش بخاطر ''صلح و ایمنی، راستی و مردمی، و یاری وبرادری'' انسانهامی تپید.

بهار، شاعر چیره دست، محققی برجسته وروزنامه‌نگاری مبتکر و آزاده بود. شعر، از نوجوانی، وجودش را، سرشت و عواطف انسانی‌اش را بارور کرد. سالهای جوانی‌اش با آزمون انقلاب مشروطیت قرین شد و ازاین رهگذر، اندیشه و روانش، درروزنامه‌های کشور وسیعا بازتاب یافت و خوداو، روزنامه‌ای بنام ''نوبهار'' در مشهدوسپس تهران منتشر کرد. همزمان، مبارزات سیاسی – (حزبی) مجدانه‌ای را بخاطر اهداف آزادمنشانه و ملی، تجربه کرد وپیش برد. وچند بار از جانب مردم به نمایندگی مجلس‌شورای ملی برگزیده شد.

در عرصه‌ٔ شعر فارسی، جایگاهی والا یافت، آنچنانکه به گواهی ادب شناسان، سرآمدسخنوران پارسی‌گوی دوران ''بازگشت'' ادبی گردید. بهار بمثابه شاعری چیره دست، ادیبی فرهیخته و سیاسی مردی آزادمنش، درزمینه شعر، ادبیات و مبارزه‌ٔ اجتماعی–سیاسی، آثاری ارزنده و آموزنده پدیدآورد. او روزگار سختی را نیز طی مبارزات خود، به حبس و تبعید سپری کرد.

در بهار ۱۳۳۰ آخرین بهار زندگی پرحاصل و بارور این استاد فرزانه بسرآمد. امانسیم بهاری شعرش، در بوستان فرهنگ و ادب این سرزمین، همیشه وزان است.

یادش گرامی باد.

برای شناخت بیشتر مقام و موقعیت بهاردر گستره ادب و سیاست، فرازهایی ازگفتار زنده یاد یحیی آرین پور را ازکتاب '' ازصبا تا نیما '' با هم می‌خوانیم:

بهار تخلص خودرا ازبهار شیروانی دارد. این شخص ازسخنوران بنام عهد ناصرالدین‌شاه است که درمشهد به‌دوست خود صبوری، پدربهار، وارد شد ودرخانهٔ وی درگذشت[1].

بهار ادبیات فارسی‌را نخست نزدپدرش آموخت و ازهفت سالگی به سرودن شعر آغاز کرد و چندسالی برای تکمیل معلومات فارسی وعربی ازمحضر میرزا عبدالجواد ادیب‌نیشابوری و صیدعلی‌خان‌درگزی استفاده کرد وپس‌از آنکه صاحب شغل دولتی و منصب ملک‌الشعرایی شد، به تکمیل زبان عربی پرداخت و از راه مطالعهٔ کتب و مجلات مصری بر اطلاعات خود افزود و با سبای نوآشنایی یافت.

بهار از چهاردهسالگی به‌اتفاق پدرش درمجامع آزادیخواهان حاضر شد و به‌واسطهٔ انس والفتی که باافکار جدید پیداکرده بود، بمشروطه وآزادی دلبست ودو سال پس‌ازمرگ پدرش، درسال ۱۳۲۴ه ق، که‌مشروطیت درکشور ایران مستقرشد و بهار بیست سال داشت، در جمع مشروطه‌خواهان خراسان درآمد.

بعد از فوت مظفرالدین‌شاه که میانهٔ مجلسیان ومحمدعلی‌میرزا کشاکش درگرفت، دومنشعب انجمنی به‌نام «سعادت» به وجود آمدکه باانجمن سعادت استانبول وآزادیخواهان باکو ارتباط داشت. بهار به‌انجمن سعادت راه یافت و در دوره‌ای که به‌نام «استبداد صغیر» شناخته شده و ازکودتای ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ه ق و به‌توپ بستن مجلس تا اول رجب ۱۳۲۷ه ق ادامه یافت، بابعضی ازرفقای حزبی خود، از جمله سیدحسین اردبیلی مدیر مدرسهٔ رحیمیه، روزنامهٔ خراسان را پنهانی چاپ کرد و به‌اسم «رئیس‌الطلاب» موهوم انتشار داد ونخستین‌اشعار ملی خودرا در آن منتشرساخت.

چندی بعدکه مجاهدان رشت وتیروی بختیاری واردپایتخت‌شدندو شاه به‌سفارت‌روس‌پناه برد و ازسلطنت کناره‌گیری‌کرد، درهمه‌جا واز جمله در مشهد جشنهای ملی برپا شد. اشعار و سرودهایی که درشب جشن درمشهد خوانده شد همه از بهار بود.

درسال ۱۳۲۸ه ق حزب دموکرات ایران باتعالیم حیدر عمواوغلی، یکی از پیشقدمان جنبش ملی، درمشهد تأسیس شد و بهارکه درهمان سال به‌عضویت کمیتهٔ ایالتی‌حزب درآمده بود، روزنامهٔ نوبهار ناشر افکاروسیاست حزب جدید را دایر کرد.

این روزنامه به‌گفته براون[1] به واسطهٔ شهامت و حملات تند وآتشین خود برضد فشار روسها ودخالت آنان درسیاست داخلی کشور اهمیت خاصی داشت. دولت تزاردر ایران از مستبدان حمایت می‌کرد ونیرو به‌خراسان آورده بودو روش حزب دموکرات مخالف با سیاست روس وبقای نیروهای روسی درایران بود.

بهار در سال ۱۳۳۴ه ق[1] با ایجاد جمعیتی به‌نام «دانشکده» شعرا وتویسندگان جوانرا در پیرامون خودگردآورد و به‌کار وکوشش واداشت و راه و رسم نویسندگی و شاعری–راهی که خود شناخته‌بود – به‌آنان آموخت وبه‌قول خود «مکتب تازه‌ای از نظم‌ونثر به‌وجود آورد[1]» ودر سال ۱۳۳۶ه ق[2] مجلهٔ دانشکده را، که ناشرافکار و آثار او و اعضای جمعیت بود، دایر کرد. در این مجله با نویسندهٔ تجدد تبریز به‌بحث و جدل پرداخت و به‌اعتراضات نوجویان و نویزدازان افراطی پاسخ گفت و مقالاتی زیر عنوانهای: تأثیر محیط در ادبیات، شاعرخوب، تودوبید، شاعرگاوشوار و اشعاری از قبیل بث‌الشکوی، پیروس (ترجمه از بنوآلو)، چشمه و تخته‌سنگ (ترجمه از لافونتن) وکار (ترجمه از لافونتن) انتشار داد.

دانشکده یکی از بهترین مجلات منتشره در ایران تا آن زمان بود واگرچه یکسال بیش دوام نکرد اما در نویسندگان و گویندگان تأثیر زیادی داشت.

در همان اوان بودکه روزنامهٔ نوبهار براثر انتشار مقالاتی برضد دولت توقیف شد و شاعر در مجلهٔ دانشکده (شمارهٔ ۴، یکم سنبله ۱۲۹۷ش) با قصیدهٔ معروف و وزین خود به‌نام «بث‌الشکوی» به‌مطلع:

تا بر زبری است جولانم فرسوده ومستمند و نالانم

براین اقدام اعتراض کرد.

درکودتای سال ۱۳۳۹ه ق (سوم اسفند ۱۲۹۹ش) زندانی شد ومدت حبس وزندان او سه ماه طول کشید.

دورهٔ چهارم مجلس شورای ملی باآغاز روزهای بحرانی سلسلهٔ قاجار وجدلهای حاد سیاسی همراه بود. در این دوره بهار، که از بجنورد به‌نمایندگی مجلس انتخاب‌شده بود، با مدرس در صف اکثریت بود واز سران معروف این گروه به‌شمار می‌رفت.

ازماست که برماست!

مستزاد

این دود سیهفام که از بام وطن‌خاست ازماست که‌برماست
وین شعلهٔ سوزان که‌برآمد زچپ‌وراست ازماست که‌برماست
جان‌گر به‌لب ما رسد از غیر ننالیم با کس نسگالیم
از خویش بنالیم که‌جان سخن‌اینجاست ازماست که‌برماست
یک‌تن چوموافق شدیک دشت‌سپاه است با تاج وکلاه است
ملکی چو نفاق آورد اویکه و تنهاست ازماست که‌برماست
ما کهنه چناریم که از باد ننالیم برخاک بیالیم
لیکن چه‌کنیم، آتش ما در شکم ماست ازماست که‌برماست

. . .

ده سال به یک مدرسه گفتیم و شنفتیم تا روز نخفتیم
و امروز بدیدیم که آن جمله‌معماست ازماست که‌برماست
گوییم که بیدار شدیم این‌چه خیالی است بیداری ما چیست
بیداری طفلی است که محتاج به لالاست ازماست که‌برماست
از شیمی‌و جغرافی و تاریخ نفوریم از فلسفه دوریم
وز قال‌وان قلت به‌هر مدرسه غوغاست ازماست که‌برماست
گویند بهار ازدل وجان‌عاشق غربی‌است یا کافرحربی‌است
ما بحث ندانیم درآن نکته که پیداست ازماست که‌برماست

قطعه

دیدم به بصره دختر کی اعجمی نسب
می خواند درس قرآن در پیش شیخ شهر
می داد شیخ درس ''ضلال مبین'' بدو
دختر نداشت طاقت گفتار حرف ضاد
می داد شیخ رابه ''دلال مبین'' جواب
گفتم به شیخ راه ضلال این قدر مپوی
بهتر همان بود که بمانید هر دوان

روشن نموده شعر به نور جمال خویش
وز شیخ دل ربوده به فنج و دلال خویش
وآهنگ ضاد رفته به اوج کمال خویش
باآن دهان کوچک غنچه مثال خویش
وآن شیخ می نموده مکرر مقال خویش
کاین شوخ منصرف نشود از خیال خویش
او در ''دلال'' خویش و
تواند'' ضلال'' خویش

رباعی

من برگ گلم، باغ شبستان من است
نو باوه شب، که شبنمش میخوانند

وان بلبل خوش‌لهجه، غزلخوان من است
هر صبح، به نیم بوسه مهمان من است

www.iran-archive.com

یک موضوع و چند فرض!

ب. کریمی

موضوع این است: ''رئیس جمهور'' آشتی‌جمهوری اسلامی و آمریکا را می‌خواهد و ''رهبر''، براعتبار حکم معروف خمینی: ''رابطه با آمریکا می‌خواهیم چه کنیم''، ایستاده است.

اکنون دیگر تاکتیک رفسنجانی این است که گام به گام ''قبح'' رابطه ''اسلام'' باآمریکا برای حزب الله جماعت از بین برود. با نشستن هواپیماهای آمریکایی در خاک ایران به بهانه ''امداد به کردهای پناهنده''، دیپلماسی غیبی با واشنگتن درلباس ''دیپلماسی امداد'' ظهور نمود.

علی اکبر رفسنجانی، هم خود در بیان و عمل و هم توسط علی اکبر ولایتی و نیز از طریق تهران تایمز – که بیانگر مواضع دولت درسیاست خارجی است، زمینه را برای عادی‌سازی مناسبات با آمریکا آماده می‌کند. او عمدتا در رابطه با همین زمینه چینی است که تقصیر در عدم برقراری در مناسبات فی‌مابین را برعهده آمریکا می‌داند که همچنان در تادیه پولهای بلوکه شده ایران تعلل می‌ورزد. فرمول پیشنهادی رفسنجانی به‌آمریکا، فرمول دلار و سلاح در برابر وصلت است. دولت جرج بوش، با در نظر داشت دشواری‌های درونی هاشمی رفسنجانی، ابتکارات او در احترام به شروط مد نظر خویش را با حساسیت تعقیب می‌کند.

روشن است که رفسنجانی تصمیم خود را گرفته و در اجرای تصمیماتش مصر است. او که توقف جنگ هشت ساله را به نام خود ثبت کرده و سازمانگر اصلی بهره‌برداری از مناقشه عراق و آمریکا و دریافت امتیاز از صدام حسین معرفی شده است، او که خود را معمار کننده ماجراجویانه برون مرزی رژیم شناسانده و به عنوان مبتکر و مجری خروج جمهوری اسلامی از انزوای بین المللی و دوستی با کشورهای غرب و عرب چهره کرده است، و او که علم اصلاحات در اقتصاد کشور را برافراشته و به رفع یا تعدیل تناقض‌های دست و پاگیر در ساختار قدرت و اداره کشور برخاسته است، دارای مشی و سیاست روشنی است. او خوب می‌داند که این راه لزوما از ایستگاه مودت با آمریکا گذار خواهد کرد و مصرانه در پی آن است که این خواسته تحقق یابد.

نقشه رفسنجانی، نقشه‌ای است از پیش طرح شده و برای آینده ای دور که به زعم او در چنگ اوست. رفسنجانی برای پیشبرد این مشی و سیاست، استعداد دارد تا از مانور در میان نیروهای حزب الله فراتر رود و در ایجاد پایگاهی گسترده برای سیاست و مشی خود، اقشار و نیروهائی از جامعه را به‌سوی خود و اهداف خویش جلب کند. صحبت های اخیر وی در مورد لزوم تعدیل فشار بر زنان و جوانان، لزوم برخورد منعطف با جامعه ورزشی و هنری کشور و ضرورت برخورد جلب‌کننده با صاحبان سرمایه و متخصصان مقیم خارج از کشور و تا اندازه‌ای با کل مهاجرین، و غیره و غیره مبین جهت گیری اجتماعی اوست. پخش صدای خوانندگان مرد چون بنان از رادیوی جمهوری اسلامی پس از ۱۲ سال بایکوت و تحریم، تغییر ساعت در کشور مطابق نرم بین المللی پس از ۱۲ سال شرعیات بازهای بی‌ثمر و ده‌ها اصلاحیه‌های ریز و درشت دیگر، بیانگر آن است که این قهرمان ایران گیت قصد دارد تا مرحله کسب تاج افتخار – البته با حفظ عبا و عمامه – پیش برود! او آماده برای برجهیدن از بسیاری از موانع و تناقضاتی که گریبانگیر جمهوری اسلامی است، بر آن است تا پلاک یکه تازی دوی با مانع در جمهوری اسلامی را نصیب شود و بر سینه نصب کند. برقراری رابطه دوستانه با آمریکا، از [illegible] این مسیر است.

اگر چه میکوشد برای توجیه تناقضات پیش آمده بین رهبری و مقام ریاست جمهوری راهی بیابد، اما در این توجیه‌گری هر روز با دشواری‌های بیشتری روبرو می‌شود. او اخیرا در نماز جمعه شانزده فروردین ماه این فرمول دو پهلو را پیش کشید که ''تکلیف دولتی'' یک چیز است و ''تکلیف ملی و عمومی'' چیزی دیگر. او انحصار ''تکلیف ملی و عمومی'' را متعلق به ''رهبر'' دانست و با گفتن اینکه دولت باید به تکالیف خود عمل کند بالاخره این نتیجه را گرفت که کشف تناقض در جمهوری اسلامی تشبثی بی‌پایه و تلاشی بی‌نتیجه است! او که یکبار در برابر حملات تند دارو دسته محتشمی به مهاجرانی – که جرمش بیان نقطه نظرات رفسنجانی در روزنامه اطلاعات بود – بطور ضمنی از او و به نحو غیر مستقیم از رفسنجانی حمایت کرده بود، هنوز هم براین ژست است که همه دولتمردان نظام، بدادامه خصومت با آمریکا پایبند هستند!

البته این واقعیت دارد که خامنه‌ای تاکنون توانسته است چند مورد تناقض بین ''تکلیف دولتی'' و ''تکلیف ملی و عمومی'' را به‌گونه‌ای رفع و حل کند که هم اخلالی در برنامه‌های رفسنجانی پیش نیاید و هم چندان به چیت قبای رقبای وی بر نخورد. اما نه به‌گونه‌ای که خمینی ''دست رحمت'' را به‌نوبت سر این و آن می‌کشید و از این طریق مانع از آن می‌شد تا یک خط و یک سیاست و یک جریان و جناح امور رژیم را در دست گیرد و جمهوری اسلامی را در مسیری واحد و ثابت پیش ببرد. مانور از این دست، به‌همراه خمینی به گور رفت. از همین رو هم نتیجه عملکرد خامنه‌ای متناسب با ظرفیت و توان او آن شده که تناقضات تاکنون در هرمورد به سود ''تکلیف دولتی'' و به زبان روشن‌تر به سود رفسنجانی حل شده است. آخرین نمونه در انطباق این دو نوع ''تکلیف''، ماجرای مضحک حج امسال است. این موضوع جنجالی به چنین حل و فصلی نزدیک شده است که حجاج ایرانی متعهد شوند در جریان مراسم زیارت، سیاست و عبادت را قاطی نکنند و در مقابل، دوستان سعودی رفسنجانی در زمان کوتاه مکانی محدود و کنترل‌شده در اختیار نماینده خامنه‌ای قرار بدهند تا با برگزاری ''مراسم برائت از مشرکین'' از این نوع، حرمت روح روح‌الله آن اندازه نگه داشته شود که اکبر ظل‌الله در کالبد جمهوری اسلامی دچار تنگی نفس نشود!

اما سوال این است که آیا خامنه‌ای خواهد توانست بازی توجیه تناقض بین دو ''تکلیف'' را مدتهای مدید ادامه داده واز جمله بر سر مسئله حساسی همچون مناسبات با آمریکا به توجیه‌گری برخیزد و همچنان موقعیت خود به عنوان رهبر را حفظ کند؟ وسوال متعاقب اینکه، اگر خط رفسنجانی همچنان پیش برود که منطقا نیز نظر به نبود آلترناتیو کارا و واقع گرای دیگر در رژیم همچنان پیش خواهد رفت و لاجرم موقعیت او را تا آن اندازه استحکام خواهد داد که رسما به شخص مطلقا اول مملکت بدل شود، در این صورت اولا آقای خامنه‌ای چکاره نظام خواهد بود و ثانیا ایشان درچه مقطعی زیر ائتلاف چند ساله را خواهد زد.

طبیعتا این ساده‌ترین فرض خواهد بود هرگاه گفته شود که خامنه‌ای از همان روز رهبر شدن می‌دانسته هیچکاره جمهوری اسلامی است و نصیب او از قدرت درست آنگونه که در دوره ریاست جمهوری‌اش، در مقام رهبری نیز حرافی و بلااختیار و سترون ماندن در عمل است، و گویا وی از همان ابتدا ناگزیر از تن دادن به این سرنوشت بوده است. اما این ساده‌نگری محض است. زیرا، خامنه‌ای کمتر از رفسنجانی جاه‌طلب نیست تا به همین سادگی بپذیرد که بدست خود تاج سلطان حسین‌ای بر سر نهاده و بعدا به رایگان و مفتضحانه و در زمان مناسب تقدیم موتلف دیروز بکند.

فرض دیگر این است که در هرم قدرت بین خامنه‌ای و رفسنجانی نوعی تقسیم کار جریان دارد و تئوری ''تکلیف دولتی و تکلیف ملی و عمومی'' هم ناظر بر این تقسیم کار است. این فرض، فرض تازه‌ای نیست و کسانی از دیرباز معتقدند که این دو شخص همواره هم رای و هم نظر بوده‌اند و در توافق با یکدیگر بازی سیاسی واحدی را پیش برده و می‌برند، و اینجا حسنین خمینی هستند که زمانی گفت: خامنه‌ای و رفسنجانی فرزندان من هستند و من آنها را بزرگ کرده‌ام! این فرض بر این است که سخنان و اعمال این دو نفر مکمل یکدیگرند و مانور آنها لازمه پیشبرد سیاستی واحد در دارالخلافه چند واحدی حکومت اسلامی است.

این فرضیه اگر ناظر بر توضیح ائتلاف چندساله‌ای باشد که هنوز هم پا برجاست، البته درست است. اما اگر بر پایه این همانی گرفتن این دو باشد، خطا و بد آموز است. چنین فرضیه‌ای گذشته از اینکه در توضیح همه صف‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های دوازده سال گذشته حیات رژیم الکن است، حاوی این بدآموزی هم است که به وجود تضاد مهم اینک بالقوه و بعدا بالفعل در هرم قدرت حکومتی، بی‌اعتنایی بشود. اگر موضوع به همین سادگی بود، انگاه به چه دلیل کسانی چون محتشمی، خوئینی و امثالهم نتوانند زودتر از برون حکومتی‌ها متوجه چنین این همانی بشوند و در نتیجه نخواهند که تکلیف خود با خامنه‌ای را روشن کنند؟ به علاوه آیا آخوند کارکشته‌ای چون خامنه‌ای، آن اندازه خام است که فرجام محتوم این بازی بدفرجام را متوجه نباشد؟

فرض بیش از همه نزدیک به واقعیت آن است که خامنه‌ای مشعر به دشواری‌ها و تناقضات رژیم از یک سو، و موافق با سیاست و خط و مشی هاشمی رفسنجانی در جهات عمده آن از سوی دیگر، فعلا در پیشرفت این مشی ذینفع است و آن را تنها سیاست موثر برای نظام می‌شناسد. ولی در عین حال او با اعلام دیدگاه‌های خود و اختلافاتش با رفسنجانی گاه ضمنی و گاه صریح و از این طریق سلب مسئولیت نسبی از نماینده ''تکلیف ملی و عمومی''، در پی سرمایه‌گذاری برای فردای خویش است تا در فرصت مقتضی و با توسل به موقعیت ولایت فقیه به گوندای شرعی با هاشمی رفسنجانی تعیین تکلیف بکند و مثلا به بهانه تخطی رفسنجانی از ارکان نظام، عذر این یارگرمابه را بخواهد. حساب خامنه‌ای احتمالا این می‌تواند باشد که در سر بزنگاهی که پیش خواهد آمد، از یک سو وارث همه موفقیت‌های سیاست رفسنجانی و شخص او باشد و از سوی دیگر مخالفت‌های مختلف الجهت باوی در درون نظام را به سود طرفداری از خود کانالیزه کند. به ظن قوی پشتوانه چنین محاسبه‌ای از نظر خامنه‌ای این است که در نظام فقاهتی، استناد به اندیشه‌ها و وصایای خمینی برای گوشمالی کسی که هرروز بیشتر بوی غربی و غیر شرعی به خود می‌گیرد کاربرد پایدار دارد. وجود این نوع فکرها و تدابیر در مخیله او بیش از هر فرض دیگری معقول به نظر می‌رسد، زیرا هم باشخصیت وی و هم با موقعیت عینی‌اش خوانائی دارد. خامنه‌ای گرچه در دوازده سال حیات جمهوری اسلامی هیچگاه شخصیتی سیاست ساز و جریان ساز نبوده است اما همواره دارای هویت و موضع بوده است. او آخوندی است پایبند نظام فقاهتی و هنوز هم تا حدزیادی ''نه غربی – نه شرقی''، به لحاظ موضع اجتماعی در کنار بازار و تجار، و از نظر سیاسی محافظه‌کار و ضددگراندیش؛ و همین خصوصیات بود که نقش مهمی در توافق خبرگان برای رهبر شدن او بازی کرد. در عین حال رفسنجانی نیز با تکیه بر شناخت دقیق از خامنه‌ای بود که نقش موثری را در جریان انتخاب خامنه‌ای به عنوان رهبر ایفا کرد. به زعم او پیشبرد سیاست‌های مد نظر، درجوار و پناه خامنه‌ای بیشترین شانس را داشت.

ولی پنداری عبث است اگر خامنه‌ای فکر کند که می‌تواند با اتکا به همین مواضع و با همین خصوصیات در مقام رهبری باقی بماند و نقطه تعادل پایدار جریانات مختلف درون جمهوری اسلامی باشد. نخستین برهان در بطلان این تصور، ناگزیری تجزیه بیش از پیش نیروی متشکله جمهوری اسلامی و رشد تضاد و تقابل بین جریانات سازنده نظام و دلیل مهم بعدی عینیت همین هاشمی رفسنجانی است که قیچی بدست بی‌وقفه می‌برد و رشته امور مملکت را مطابق با الگوی خود به نخ می‌کشد. بعلاوه، اگر حساب استفاده یکی از دیگری به میان آید، به وضوح این رفسنجانی است که تاکنون در تضعیف و طرد رقبا از خامنه‌ای سود برده است و نه برعکس.

خامنه‌ای واقعا در وضع دشواری قرار دارد. از یکسو میدان مانور او محدود به متعلقات جمهوری اسلامی است و او مجبور است تاتمایلات گروه‌بندی‌های موجود را مد نظر داشته باشد و از برآیند همه جریانات متشکله نظام فاصله نگیرد، و از سوی دیگر با مدعی قدرتمندی چون رفسنجانی روبروست. خامنه‌ای لحظه‌ای هم از کابوس بروز تضاد بین خود و رفسنجانی به گونه‌ای که حذف یکی و تدر قدرتی دیگری را در پی داشته باشد، در امان نیست.

و این احتمال کم نیست که اختلاف بالقوه بین این دو، بر سر قطعیت یافتن برقراری مناسبات رژیم با آمریکا فعلیت یابد. برای رفسنجانی، مناسبات با آمریکا، اساسا موضوعی داخلی است و نه اینکه صرفا یک موضوع خارجی باشد. از این رو، همانگونه که تشدید تضاد بین خامنه‌ای و رفسنجانی و ارتقاء این تضاد تا سطح تقابل پدیده‌ای نیست مطلوب این دو موتلف و در نتیجه در چشم‌انداز نزدیک، به همان سان نیز برقراری رابطه با آمریکا، فوری و سهل الوصول نمی‌باشد. از نظر رفسنجانی، مسئله فقط بر سر این نیست که خطا مامی‌های دوآتشه معاند رابطه با آمریکا هستند – جریانی که حتی در حکومت اسلامی آینده ندارد و در سراشیب تضعیف ره می‌سپارد – بلکه مخالفت خوانی‌های خامنه‌ای در میان است او می‌داند که خامنه‌ای روی تخاصم با آمریکا حساب باز کرده است. احتیاط‌کاری رفسنجانی در پیشبرد خط دوستی با آمریکا در این رابطه است. رفسنجانی ترجیح می‌دهد وصلت با آمریکا حتی‌المقدور با اجتناب از تصادم با خامنه‌ای رهبر همراه باشد.

اما خامنه‌ای برقراری رابطه رسمی دولت رفسنجانی با واشنگتن را یا نخواهد خواست و یا مسلما نخواهد توانست بدون دشواری‌های جدی آن را ماست مالی و توجیه کند. با پیشرفت روندهای جاری و رسیدن موعد وصال، خامنه‌ای به اجبار یا باید به تائید ''تکلیف دولتی'' برخیزد و بدین ترتیب هم حزب اللهی‌های افراطی را در برابر خود قرار دهد و هم تاج را بر سر رفسنجانی نهد، و یا به ''تکلیف ملی و عمومی'' عمل کند و رسما و علنا با رفسنجانی شاخ به شاخ شود. البته این را زمان نشان خواهد داد که کدامین احتمال از این دو به واقعیت زندگی سیاسی کشور بدل خواهد شد. اما شواهد موجود و منطق، بیشتر حکایت از فائق آمدن احتمال دوم بر احتمال اول دارد. در هر صورت یک چیز مسلم است: دیر یا زود وقت آن خواهد رسید که دو پادشاه در یک اقلیم نگنجند!

در صورت شکست خامنه‌ای ولی فقیه از رفسنجانی رئیس جمهور و بیشتر از آن شکست حزب اللهی‌های افراطی از او، بی‌شک قبل از همه این جامعه ایران است که از شر دو استبداد فقاهتی، یکی محافظه‌کار و دیگری ماجراجو تا حد زیادی رهایی خواهد یافت، اما خطا خواهد بود هرگاه نفس قلبه آخوند رفسنجانی مستبد بر جامعه ایران، تداوم ناجعه جمهوری اسلامی برای میهن ما به حساب نیاید. آنچه که اکنون آقای رفسنجانی – این مهره قدرتمند دوازده سال رژیم جنگ و استبداد، فقر و پس‌رفت – می‌خواهد به اجرا بگذارد تنها در مواردی آنهم در سطحی محدود با خواست‌های مردم ایران و برنامه‌های پیشنهادی نیروهای دمکرات و مترقی همخوانی دارد. اقدامات رفسنجانی به شرط موفقیت آمیز بودن نیز در مقایسه با الزامات برون برد کشور به نحوی در خور زمان از این همه مصائب جمهوری اسلامی، صرفا گامی است در برابر کوه!

یک کوه مشکلات، مسلما به شط خروشان هدفمند نیازمند است.

پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۷۰

پاسخ خوانندگان

بقیه از صفحه ۹

پروازی دسته جمعی با قفس‌هایمان امکان پذیر نمی‌باشد! اول آزادی کامل، بعد پروازی دلخواه با هم‌نوع خویش! خاطرمان باشد که اهالی اروپای سابق به اصطلاح رومی، یونانی، عثمانی، بطروسی، ... در حال حاضر، ضمن اینکه نه تنها خارج از قفس هستند، بلکه همچنین در تلاشند که درکنار بازار مشترکشان، پول مشترک، زبان مشترک و ... داشته و حتی مرزهای مابین خودرا نیز از میان بردارند! پس چرا ما که خود فانوس‌دار و از پیشکسوتان این امور هستیم، از قافله عقب‌تر بمانیم؟! لذا جهت بهبود فردای آیندگانمان باردیگر خود را از این آخرین بندهای سنتی نیز رها سازیم و با معیارهای علمی و منطقی سوسیالیسم، پشتیبان هر حرکتی باشیم که در نهایت به نفع آینده ''بشریت'' گردد. ذکر مسائل نیم‌بند خلق‌ها و مسایل ارضی آنان، خود یک ''ترمز سیاسی'' برای آیندگان بوده وعواقب منفی آن به گردن ما خواهد افتاد!

□ پاسخهای کوتاه

*دوست عزیز، ح. منصوری از آلمان درزمینه مسایل مربوط به پناهندگی، ایالات مختلف آلمان رفتار یکسانی ندارند و بامتقاضیان پناهندگی برخوردهای مختلفی می‌شود. در مورد نمونه‌ای که شما اشاره کرده‌اید، مادر سایر ایالات تاکنون مورد مشابهی رانشنیده‌ایم .. با اینحال آدرس شما را در اختیار رفقای خود در مونیخ قرار می‌دهیم تا درصورت امکان با شما تماس بگیرند و در حدتوان خود به شما یاری رسانند. در ضمن از همین طریق خواهید توانست برای تماسهای منظم‌تر با سازمان نیز اقدام کنید.

* دوست گرامی سیاوش از ژاپن نامه‌های شما و هم چنین تمبرهای پستی به دست ما میرسد. متاسفانه برای ما امکان ارسال نوار ویدئوئی وجود ندارد، تماس خود را بانشریه کار می‌توانید از طریق آدرس کنونی ادامه دهید. در سایر موارد باید با گروه کار تشکیلات خارج تماس بگیرید.

★★★

www.iran-archive.com

"جبهه رهایی بخش ساندینیستی" می‌خواهد یک اپوزیسیون سازنده باشد

مصاحبه‌ٔ زیر توسط خبرنگار نشریه‌ٔ آلمانی "به پیش" متعلق به گروه دانشگاهی Jusos (جوانان سوسیال دمکرات) با کریستیان تورس عضو کمیسیون روابط بین‌الملل سازمان جوانان ساندینیست صورت گرفته است، که خلاصه‌ای از آن به ملاحظه‌ٔ خوانندگان عزیز می‌رسد.

"به پیش": رئیس جمهور نیکاراگوا خانم ویولتا چامورو از حزب UNO پیش از انتخابات جهش اقتصادی کشور را وعده می‌داد. آیا حکومت وی تاکنون توانسته است به این هدف دست یابد؟

"تورس": اقتصاد ما بکلی در هم شکسته است. ده سال تمام رکود وجود داشته و از جیب خورده‌ایم. ما دارای اقتصادی وابسته به آمریکا هستیم. حکومت ساندینیستی نتوانست چیزی را بصورت درست و حسابی تکامل بخشد و بوجود آورد، چون حکومت آمریکا خواستار آن نبود. اقتصادی ویران نظیر اقتصاد ما، مانند بیمار در حال احتضاری است که از این لحظه تا لحظه‌ٔ دیگر می توان نگهدارش بود و نه از امروز تا به فردا. این امر بستگی به معالجه‌ٔ آن دارد. اگر ایالات متحده‌ٔ آمریکا تعهداتی را که پیش از انتخابات در برابر ویولتا چامورو پذیرا شده بود برآورده می‌ساخت، شاید حکومت وی می توانست برنامه‌ٔ اقتصادی‌اش را به اجرا درآورد. با سرمایه – وعده داده شده احتمال داشت که UNO کاری بتواند انجام دهد. اما از پول خبری نشد و وعده‌های انتخاباتی UNO جامه‌ٔ عمل نپوشید. تاکنون فقط متخصصین بانک بین المللی و صندوق بین المللی پول سرو کله‌شان پیدا شده که موجب محدودیت برنامه‌های اجتماعی و بیکاری بیشتر گردیده‌اند. تنها وام‌هایی با شرایط دشوار و بهره‌های بالا در اختیار مولدترین بخشهای اقتصادی، نظیر کشاورزی قرار داده می‌شود. همه محصولات به بهای نازل به بازار جهانی عرضه می‌گردند. برای مردم خودمان اما این محصولات بسیار گران شده‌اند. کلیه‌ٔ قیمتها روز به روز افزایش می‌یابند.

"به پیش": حکومت در برابر این فقر و فاقه‌ٔ جدید چه توضیحی دارد؟

"تورس": آنها به دو شکل مسئله را توضیح می‌دهند. بخشی وجود بحران را با عدم پرداخت کمک مالی از سوی امریکا توجیه می‌کنند. بخش دیگر سیاستمداران گناه را به گردن سوء مدیریت دراز مدت ساندینیستها می‌اندازند. مسئله اینجاست که در حال حاضر از حکومت هیچ کاری ساخته نیست. اکثر امنتظر سرمایه‌های خارجی‌اند. به گمان من، اگر سرمایه‌های آمریکایی می‌آمدند، نرخ "مانوق تورم" تا به این حد بالا نمی‌بود. پیش از پایان این هفته (هفته پایانی ماه آوریل ۹۱ – م) یک دلار برابر ۶٫۲ میلیون کوردوبا (یگان پولی نیکاراگوا – م) بود. نرخ تورم بالغ بر ۱۵ هزار درصد می‌شود. می‌توان تصور کرد، که این ارقام چه معنایی برای اقتصاد یک کشور دارد. تقریبا امروزه تنها در کشور بیکاری است که بچشم می‌خورد. بسیاری می‌توانند از امکان ادامه‌ٔ تحصیل استفاده کنند، اما این امکانات نیز کافی نیستند.

"به پیش": آیا وضعیت اقتصادی به فرزندان خانواده‌ها اجازه‌ٔ تحصیل منظم در مدرسه را می‌دهد؟

"تورس": در بین اقشار مشخصی از مردم کودکان بطور سنتی از سه سالگی در تامین درآمد خانواده مشارکت دارند. این امر هنوز هم رایج است. بخصوص در مشاغل کشاورزی کودکان باید از هشت یا نه سالگی بطور تمام وقت کار کنند. در نتیجه در مدارس روستایی و در مناطق محروم شهری دومشکل بیشتر در رابطه با بحران اقتصادی برجسته می‌شود. خانواده‌ها نیازمند درآمد بیشتر برای تامین قوت لایموت وادامه‌ٔ زندگی‌اند، همه می‌بایست بطور تمام وقت کار کنند، حتی بچه‌های کوچک. بعلاوه مخارج آموزشی نیز بسیار بالاست. چقدر یک دفتر، یک مداد، یک جفت کفش یا لباس خوب امروز در نیکاراگوا می‌ارزد؟ بسیاری توان پرداخت آنها را ندارند. نتیجه‌ٔ این امر دور ماندن کودکان اقشار محروم اجتماعی از آموزش ابتدایی است.

"به پیش": موضع ساندینیستها در قبال این بحران چیست؟

"تورس": در این مورد باید هر بخشی را بطور جداگانه بررسی کرد. پیش از هر چیز اتحادیه‌ٔ کارگران کشاورزی UNAC در جستجوی راه حلهای صلح آمیز برای اختلافات ارضی با کنتراهای پیشین است. معمولا بازگشتگان مدعی زمین‌اند، که البته هرگز از آن استفاده نمی‌کنند، بلکه آنرا بصورت بایر رها کرده یا می‌فروشند. UNAC خود را به مثابه‌ٔ مدافع منافع کارگران کشاورزی، بدون در نظر داشت اینکه کنترا یا ساندینیست بوده‌اند بشمار می‌آورد. این اتحادیه بخاطر حق زمین برای همه‌ٔ کشاورزان کارزار براه می‌اندازد. UNAC می‌خواهد از این طریق اراده‌ٔ ملی خلق را متجلی سازد.

تنها ادعاهای ارضی زمینداران بزرگ سابق وابسته به "گارد ملی" سوموزا مانند بشکه‌ای بدون ته می‌ماند. آنها ادعای ارضی نسبت به هزاران مزارناس (واحد زمین معادل یک آر یا ۱۰۰ متر مربع) در نیکاراگوا دارند. اما متاسفانه زمینداران بزرگ دارای بهترین مناسبات با حکومت‌اند. من فکر می‌کنم، همه کنتراهای پیشین می‌توانستند بدون کمترین نگرانی و دغدغه‌ٔ خاطر نفری ۲ مزارناس زمین کشاورزی بدست آورند و از قبل آن زندگی کنند.

سایر اتحادیه‌های توده‌ای ساندینیستی نیز بخاطر آن موجودند که در جهت منافع گروههای اجتماعی ویژه مورد نظرشان مبارزه کنند. سازمانهایی نظیر اتحادیه‌ٔ معلمان ANDEN، جوانان ساندینیست، یا اتحادیه‌ٔ سندیکاها CST گر چه ساندینیستی‌اند، اما خود اتکا و مستقل از FSLN هستند.

"به پیش": آیا خیلی‌ها از این که به UNO رای داده‌اند پشیمان‌اند؟ اگر امروز انتخابات برگزار شود آیا FSLN پیروز خواهد شد؟

"تورس": به گمان من حکومت از نتیجه‌ٔ تلاشهای صلح آمیز خود آگاه است. ما اکنون دیگر هر روز مانند سابق تلفات نداریم. من فکر می‌کنم که هنوز هم بخش بزرگی از مردم آرزو می‌کنند که حکومت امکان حکومت کردن داشته باشد، که بازسازی اقتصادی آغاز شود. بتازگی شعاری را روی دیواری دیدم مبنی براینکه "قبلا ماجوانان ۱۷ ساله‌ٔ خود را در جنگ از دست می‌دادیم، امروز آنها اما در این شرایط صلح حتی ۷ ماهه هم نمی‌شوند. و حقیقت نیز آنست که مرگ و میر کودکان بعد از تغییر حکومت بشدت افزایش یافته است.

FSLN می‌خواهد که اپوزیسیونی سازنده باشد. این جبهه جویای قدرت بخاطر خود قدرت نیست، بلکه می‌خواهد به تحقق یافتن پروژه‌ای ملی یاری رساند. اگر مردم FSLN را به صف اپوزیسیون می‌رانند، می‌بایست در آنجا نیز کار و تلاش کند. من بر این عقیده‌ام که FSLN مسئولیت بزرگی بر عهده دارد و می‌بایست برنامه‌های خود را تا انتخابات آینده به پیش برد. انتخابات به تنهایی نمی‌تواند برای ما راه حل باشد. هر که در انتخابات پیروز شود نیز، نمی‌تواند راه حل سحرآمیزی عرضه نماید، همه چیز بسته به آنست که ما نیکاراگوایی‌ها متحد باشیم و همکاری داشته باشیم. علیرغم کلیه‌ٔ مجادلات ایدئولوژیک همه‌ٔ ما به مثابه نیکاراگوایی همبسته‌ایم. بنابر این حتی یک پیروزی انتخاباتی برای ساندینیستها نمی‌تواند امروز راه حلی برای مشکلات کشور باشد.

"به پیش": اما آیا در این مورد ناسیونالیسم به مثابه‌ٔ داروی دردها مطرح نمی‌شود؟

"تورس": خیر. اما خلق نیکاراگوا به معنای مشخصی ناسیونالیست است. در اینجا یک اراده‌ٔ ملی غیر قابل تصور برای امر صلح وجود دارد. همه ما این نکته را شرم‌آور و دردناک می‌دانیم که ما در جهان تنها به این صورت مطرح باشیم که یکدیگر را بقتل می‌رسانیم. ما می‌خواهیم که همه با هم کشورمان را بسازیم و مجددا اعتبار خود را بدست آوریم. در طی بیش از ده سال حکومت ساندینیستی صفحات خوبی نیز وجود داشته است. اما ما متوجه شده ایم که در دنیای امروز همه‌ٔ مسایل بوسیله‌ٔ کسب قدرت سیاسی قابل حل نیستند. برای ما اکنون تفاوتهای ایدئولوژیک با سوسیال دمکراتها، کمونیستها یا دمکرات مسیحی‌ها بیش از این دیگر نقش مهمی بازی نمی‌کنند. البته روشن است که بر اساس تجارب‌مان ما مناسبات خوبی با سوسیال دمکراتها داریم و در این راه تلاش می‌کنیم، بویژه ما اتحادیه جوانان ساندینیست.

"به پیش": در پایان یک نکته‌ٔ دیگر. در اروپا برای سال ۱۹۹۲، پانصدمین سالگرد ورود کولومب به آمریکا تدارک دیده می‌شود. شما این مسئله را در نیکاراگوا چگونه می‌بینید و ارزیابی می‌کنید؟

"تورس": طبیعتا اینجا مسئله بر سر اتفاقاتی است که مدتهای مدیدی از آنها می‌گذرد. در این مورد نظریات متفاوتی مطرح‌اند. از یک لحاظ این امر آغاز غارت منابع ما بود. وقتی در رم یا هر جای دیگر به کلیسا بروید، در آنجا دیوارها و سقفهایی را می‌بینید که با طلا و نقره‌ٔ مامزین شده‌اند. همه جای دنیا طلایی را که آنها از معادن آمریکایی استخراج و ربوده‌اند، مشاهده می‌شود. و اروپاییها از این امر کمال سوء استفاده را کردند. همه اعمالی که آنها در برابر ما مرتکب شده‌اند، گواه از رفتاری نابرابرند. امروزه دیگر تعداد زیادی از ساکنان اصلی بومی باقی نمانده‌اند. خونهای فراوانی ریخته شده است. چه تعداد از آنها امروز در ایالات متحده، مکزیکو، گواتمالا، نیکاراگوا، کستاریکا، پرو و اکوادور زندگی می‌کنند؟ تقریبا هیچ.

بنابر این سالگرد این رویداد در کشورهای پیشرفته نیز باید لحظه‌ای و فرصتی برای اندیشه و تفکر باشد، هر چند این پدیده متعلق به گذشته بنظر می‌رسد. داستانی نیز در این مورد وجود دارد که یک سرخپوست بومی در شیلی، هنگام بازگشت از مدرسه‌ٔ میسیونرها پرخاش‌کنان به یک اسپانیایی می‌گوید: "شماها همه‌ٔ مواد خام ما را به تاراج برده‌اید، خلقهای ما را سرکوب نموده‌اید، به زنان‌مان تجاوز کرده‌اید، اما هنوز هم کذب و ریا در مورد این مسایل بخورد ما می‌دهید".

البته ما نمی‌خواهیم ضد اروپایی باشیم، اما می‌توانستیم امروز بسیار آگاه‌تر در مورد این موضوعات باشیم. نمی‌گوئیم اروپا اکنون بر سر و رویش بکوبد، بلکه بهتر است نسبت به مسئولیتی که در مورد پایان بخشیدن به رشد نیافتگی بعهده دارد، آگاه گردد.

ترجمه از اسبزرگمهر

باخوانندگان

حق تعیین سرنوشت در لفافه خط‌مشی سیاسی!

• • • ساکنین کشور ما ایران از افرادی تشکیل می‌یابند که اکثرا از یک تیره نژادی بوده، از تاریخ مشترکی برخوردارند و فرهنگ آنان نیز تقریبا مشابه هم است و تنها تفاوت، اختلاف زبان در برخی از نواحی می‌باشد. اختلافات "آبکی" از قبیل سلیقه‌های متفاوت در لباس، غذاهای محلی، آداب و معاشرت اقلیمی، آب و هوا یا درشتی یا قلمی بودن، سستی یا فیوریشان، سفید یا سبزه بودنشان و...، فقط "خط‌چین"هائی بیشتر در بین ما نیستند و در کل مواردی می‌باشند که در بین سایر رده‌های انسانی در سراسر جهان نیز به چشم می‌خورند. حال اگر بدون تعارف مبارزات خلق‌های ذکر شده را بدون هیچ پیچ و تابی بررسی نمائیم و لقمه را در کوتاه‌ترین فاصله دو نقطه، وارد دهان سازیم! به این نتیجه خواهیم رسید که قضایای خلق‌های آذری، بلوچ، ترکمن و کرد با سایر اهالی متیم ایران فرق فاحشی دارد که در کوتاهترین جمله عبارت است از: "تکه تکه شدن "خاک مادری" این خلق‌ها در گذشته و لذا مبارزه‌ای ممتد جهت بازپس گرفتن وجوش مجدد آنان به همدیگر" بدین ترتیب چمارتکه‌شدن خاک کردستان در سرزمین‌های ایران، ترکیه، سوریه و عراق و نیز مهاجران کرد در خاک شوروی و خواست یکی شدن مجدد خاک آنان، آرزوی دیرین این خلق مبارز است! همچنین دو تکه‌شدن خاک آذربایجان مابین ایران و شوروی و تلاش در جهت الحاق مجدد خاک شمال و جنوب، تنها روانشناسی سیاسی پشت پرده مبارزین این دیار است و بس! ترکمن صحرا نیز در آرزوی ادغام با مناطقی مشابه در خاک شوروی است و بالاخره سیستان و بلوچستان نیز در رویای یکی شدن با مناطق هم‌نامی از پاکستان است. حال اگر باز برگردیم به قضایای خودمختاری و... تا استقلال مقاله "فدرالیسم مسئله ایران نیست" باید اضافه کنیم که انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌توانند جوابگوی قسمت‌هایی از ایران باشند ولی در مورد ۴ بخش آذری، بلوچ، ترکمن و کرد خاک ایران، ابتدا باید همه چیز، به دست اهالی و با اعطای "کامل" حق تعیین سرنوشت سپرده شود و بعد بدون اعمال هیچگونه دخالتی در امور داخلی آنان، تسلیم تصمیم نهای آنان، از خودمختاری گرفته تا جدایی کاملشان از خاک ایران گردید. حال آذربایجان متحد بخشی از ایران خواهد شد یا شوروی و یا اینکه خود مستقل از هر دو می‌باشد و اینکه کردستان مال ایران، ترکیه، سوریه و یا عراق خواهد بود، یا اینکه کشوری جدید و مستقل، و نیز ترکمن صحرا و سیستان و بلوچستان جدید در کدام طرف خواهند بود، مستقلند یا زیر چتر یکی از کشورها، همگی در پروسه زمانی و با رأی مردم خود این مناطق مشخص خواهند گردید و نه با خط مشی یا دستور و تصمیم‌گیری ما که "همسایگی" با آنان قرار خواهیم گرفت! با جمع‌بندی مطالب ذکر شده در بالا، اینبار باید خیلی رک و پوست‌کنده گفت که هر حرکتی سیاسی و محلی که در مسیر مسائل ملی در این ۴ منطقه از ایران انجام پذیرد، بیشتر در جهت رسیدن به خواسته نمایشان یعنی الحاق مجدد خاک جداشده‌شان می‌باشد. لذا تاچاقچی، تجزیه‌طلب، آلت دست این یا آن کشور قرار گرفته، خائنین به ایران و... نامیدن این مبارزین، همانا برخوردی شاهی - شیخی و یا سنتی با این مسائل خواهد بود. گفتنی است که هدف اصلی اکثر فلاسفه و ادیان همانا خوشبخت نمودن و رفاه بخشیدن به انسانهاست و اخیرا نیز با انفجار ترقه "پروسترویکا" و نشفشه نورانی "گلاسنوست"! دیگر هم‌زبانمان بازشده و ترسی از اخراج نداریم! و هم می‌توانیم به آزادی جوهر و ضمیر انسانی که ۴۲ سال قبل منشور آن نوشته شده، نه تنها مراجعه کنیم بلکه بخش‌هایی از آن را نیز جزو خط مشی سازمان خود قرار دهیم.

در خط مشی تصویبی سازمان ما آمده است که "ملیت‌های ساکن ایران دارای حکومت خودمختار هستند، حق جدایی آنها به رسمیت شناخته می‌شود. حکومت مرکزی با تحکیم گسترش دموکراسی، عدم تمرکز و تامین مشارکت برابر حقوقی همه‌ٔ ایرانیان در اداره امور کشور وحدت ملی را استحکام می‌بخشد، قلمرو واحدهای تقسیمات کشوری را رأی آزادانه اهالی ساکن در آن مناطق تعیین می‌کنند". که اکثرا از دیدگاه کلی درست نمی‌باشند ولی باید استقلال طلبان نیز این را اضافه نمایند که: "خواست حداقل یعنی خودمختاری و حداکثر یعنی جدایی کامل از ایران، با پیوستن به خاک کشوری دیگر و یا کسب استقلال خودی، حق هر انسان مبارزی در هر یک از مناطق آذری، بلوچ، ترکمن و یا کردنشین ایران می‌باشد." همچنین باید در نظر داشت که "قانون" به اصطلاح بین‌المللی "عدم تغییر جغرافیای سیاسی" نیز در مواردی نه تنها مشکل گشای خلق‌ها یا ملل نگردیده است، بلکه همواره به عنوان عاملی بازدارنده و در جهت تشویق سرکوب، هراس و دلهره عمل کرده و فلاکت و بدبختی بیشتری را برای این مناطق به ارمغان آورده است. در دنیای نوین امروزی، مبارزات مردمی در یوگسلاوی و جمهوری‌های بالتیک در شوروی از جمله نمونه‌های این مسائل می‌باشند. باید در نظر داشت که انجام هر نوع اقدامی زیر لوای "ترمز سیاسی" که در غالب سنتی، شووینیستی و حتی ملی‌گرایی معتدل، یا شعار حفظ تمامیت ارضی کشور، جلوگیری از تجزیه و... گردد، در نهایت به ضرر ساکنین آن مناطق و همسایگانشان خواهد بود. ایران خودمان ببینید که چگونه کلیه استان‌های مبارز آن در قفس حبس گردیده‌اند! اکثرا همواره شعار همیاری، هم گامی و... را سر داده‌ایم بدون اینکه دریابیم، که نخست باید این قفس‌ها را از پیرامون خود برداشته و آزاد گردیم و بعد به همراه و به طور آزادنه به پروازی جهانی بپیوندیم.

بقیه در صفحه ۸

www.iran-archive.com

سرسختی اسراییل در برابر تلاش‌های آمریکا و شوروی

بقیه از صفحه اول

مطبوعات اسرائیل گزارشهایی منتشر کرده‌اند که طبق آن، آمریکا می‌خواهد در صورت عدم توافق اسرائیل و سوریه بر سر شرایط انجام مذاکرات صلح، یک ''کنفرانس کوچک'' بدون شرکت سوریه برگزار کند.

ملک حسین پادشاه اردن در گفتگو با بیکر موافقت کرد که کشورش و فلسطینی‌ها هیات مشترکی برای شرکت در کنفرانس صلح تشکیل دهند. هنوز معلوم نیست نمایندگان فلسطینی این هیات را سازمان آزادیبخش فلسطین تعیین خواهد کرد یا نه.

الکساندر بسمرتنیخ وزیر خارجه شوروی در پایان دیدارش از خاورمیانه که طی آن برای نخستین بار به اسرائیل نیز سفر کرد، اظهار داشت تلاشها برای صلح هنوز باید مدتی ادامه یابد. بسمرتنیخ هفته گذشته در ژنو با یاسر عرفات رهبر ساف دیدار کرد. موضوع مذاکرات بسمرتنیخ و عرفات نحوه شرکت فلسطینی‌ها در کنفرانس صلح بود. ساف خواهان شرکت یک هیات مستقل فلسطینی در چنین کنفرانسی است. همچنین به عقیده ساف این کنفرانس باید دارای اختیارات واقعی باشد و بر مبنای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل تصمیماتی اتخاذ کند. این قطعنامه‌ها مقرر می‌دارند که اسرائیل مناطق اشغالی را تخلیه کند.

بیکر و بسمر تنیخ روز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت در قاهره با یکدیگر ملاقات کردند. پس از این مذاکرات، دو طرف اظهار داشتند میان آمریکا و شوروی در مورد رئوس طرح صلح خاورمیانه توافق وجود دارد. بیکر اظهار داشت ''نکات مورد توافق بیش از نکات مورد اختلاف است''.

سوریه و اسرائیل متقابلا یکدیگر را به سرسختی در برابر تلاشهای صلح متهم می‌کنند. در حالیکه روزنامه البعث ارگان حزب حاکم سوریه نوشت اسرائیل از تلاشهای صلح تنها در جهت منافع خود بهره برداری می‌کند، وزرای کابینه شامیر در چند موضع گیری گفتند حافظ اسد با پافشاری بر مواضعش مانع توافق شده است.

اسحاق شامیر هفته گذشته تاکید کرد اسرائیل حاضر نیست از حتی یک قطعه کوچک از سرزمین های اشغالی عقب نشینی کند.

۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج (عربستان، امارت متحده، کویت، عمان، قطر و بحرین) اعلام کردند که حاضرند بعنوان ناظر در کنفرانس صلح خاورمیانه شرکت کنند.

به گزارش روزنامه نیویورک تایمز جیمز بیکر یک راه حل میانی برای چارچوب کنفرانس صلح پیشنهاد کرده است. در حالیکه کشورهای عربی و بویژه سوریه خواهان دائمی بودن کنفرانس‌اند، واسرائیل براین پافشاری می‌کند که کنفرانس به یک مراسم افتتاحیه تشریفاتی محدود شده و بعدجای خود را به مذاکرات دوجانبه میان اسرائیل وهمسایگانش بدهد، بیکر طرحی ارائه داده است که بموجب آن کنفرانس هرشش ماه یک بار نشست خواهد داشت و در آن گزارش مذاکرات ارائه خواهد شد.

رئیس دفتر شامیر بار دیگر تاکید کرد اسکان یهودیان در مناطق اشغالی ادامه خواهد یافت. دولت اسرائیل اکنون در برابر فرمول ''صلح به ازای زمین'' از فرمول ''هم صلح و هم زمین'' دفاع می‌کند.

برای بزرگداشت قربانیان جنگ دوم جهانی، در چهل و نهمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم و پایان این فاجعه تاریخی، مراسمی در مسکو برگزار شد. این جشن ''روز پیروزی'' نام داشت.

نخست وزیر جدید فرانسه

میشل روکار نخست وزیر فرانسه که سه سال این سمت را بر عهده داشت، از مقام خود کناره‌گیری کرد. فرانسوا میتران رئیس‌جمهور به جای روکار، ادیت کرسون را به نخست وزیری منصوب نمود. با انتصاب کرسون به نخست وزیری، برای نخستین بار یک زن ریاست دولت فرانسه را بر عهده می‌گیرد. کرسون در گذشته وزیر کشاورزی و وزیر امور اروپا بوده است.

گفته می‌شود سیاست مالی و اقتصادی راستگرایانه روکار مورد انتقاد میتران قرار گرفته است. حزب سوسیالیست فرانسه در پارلمان اکثریت مطلق ندارد و برای تصویب لوایح، نیازمند آرایی از جبهه احزاب راستگراست. اخیرا چند لایحه دولت در پارلمان با مخالفت روبرو شد. علاوه بر این، حزب سوسیالیست بخاطر رسوایی‌های مالی مورد انتقاد قرار داشته است.

در فرانسه نوعی تقسیم کار میان رئیس‌جمهور و نخست وزیر وجود دارد. در حالی که رئیس جمهور سیاست خارجی و سیاست دفاعی را تعیین می‌کند، نخست وزیر داری اختیارات در عرصه سیاست داخلی است.

نخست وزیر جدید فرانسه ۵۷ سال دارد. او در نخستین کابینه دوره زمامداری میتران به مدت دو سال وزیر کشاورزی بود. کرسون سپس وزارت بازرگانی خارجی وسیاحت و وزارت امور اروپا را بر عهده گرفت. در اکتبر سال ۱۹۹۰، کرسون به علت اختلافاتش با روکار از کابینه استعفا داد و به کار در بخش خصوصی پرداخت. کرسون مدافع دشوارتر کردن حضور ژاپن در بازار اروپا از طریق ایجاد موانع ازسوی بازار مشترک است.

انتظار می‌رود اکثروزاری دولت روکار در کابینه کرسون نیز حضور داشته باشند. تنها در مورد وزیر اقتصاد و دارایی تردیدهایی وجود دارد.

یوگسلاوی بدون رئیس جمهور است

بحران سیاسی یوگسلاوی وارد مرحله جدیدی شد. روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت قرار بود طبق روال پیش‌بینی شده، ریاست شورای ریاست جمهوری یوگسلاوی که از نمایندگان جمهوری‌ها تشکیل شده است، برعهده استیپان مزیچ نماینده کرواسی قرار گیرد. اما وی اکثریت لازم را کسب نکرد. با پایان دوره یک ساله ریاست بوریسلاو یوویچ نماینده صربستان، اکنون یوگسلاوی بدون رئیس‌جمهور است.

شورای ریاست جمهوری یوگسلاوی هشت عضو دارد. علاوه بر شش جمهوری یوگسلاوی، دو استان خود مختار صربستان، و ویودینا وکوسوو نیز هر کدام یک نماینده در این شورا دارند. نمایندگان کرواسی، سلوونی، مقدونیه و بوسنی هرتسگوینا به ریاست جمهوری مزیچ رای مثبت دادند. در مقابل، سه نماینده صربستان با انتخاب مزیچ مخالفت کردند. نماینده مونتنگرو در رای‌گیری شرکت نکرد. ازآنجاکه مزیچ برای انتخاب شدن به حداقل پنج رای نیاز داشت، این انتخاب صورت نگرفت. نه قانون اساسی و نه آئین نامه شورای ریاست جمهوری، پیش‌بینی خاصی در مورد روال کار در صورت عدم توافق بر سر ریاست شورا نکرده‌اند.

نخستین انتخابات آزاد در نپال

در نخستین انتخابات آزاد پارلمان کشور پادشاهی نپال پس از ۳۲ سال، جبهه متحد چپ به پیروزی رسید. بآمارای نخست وزیر نپال پس از آنکه شمارش آرا در کاتماندو پایتخت این کشور هیمالایا نشان داد که وی کرسی خود را در پارلمان از دست خواهد داد و یک کاندیدای چپ نماینده خواهد شد، از پست نخست وزیری کناره گیری کرد. به گزارش رویتر، شمارش آرای نخستین حوزه‌های رای‌گیری نشان می‌دهد که نامزدهای جبهه چپ از کاندیداهای حزب حاکم کنگره و حزب

یازده میلیون نفر از مردم نپال برای دادن رای واجد شرایط بودند که دو سوم آنها در انتخابات شرکت کردند. به گزارش کمیسیون نظارت بر انتخابات، رای گیری آرام‌تر از انتظار برگزار شد. بااین حال به علت درگیری‌های پراکنده، ۲۵ تن مجروح شدند. در ۱۵ حوزه از ۲۰۵ حوزه انتخابات، رای‌گیری باید تجدید شود. گزارش‌هایی حاکی است درگیری‌ها در روز انتخابات، ۹ کشته نیز برجای گذاشته است.

انتخابات پیش‌رس در هند

همانگونه که پیش‌بینی می‌شد، در هند دولت اقلیت چاندرا شکار دوام نیاورد و در روزهای ۲۰، ۲۳ و ۲۶ ماه مه، انتخابات پیش‌رس پارلمان این کشور برگزار می‌شود.

در دسامبر ۱۹۸۹، ویشوامات پراتاپ (وی.پی.) سینگ به جای راجیو گاندی که در انتخابات شکست خورده بود، دولت خود را تشکیل داد. اما دولت سینگ یازده ماه بعد اکثریت خود را در پارلمان از دست داد. به‌جای سینگ، چاندرا شکار با حمایت اولیه حزب کنگره گاندی به حکومت رسید.

در آن زمان پیش‌بینی می‌شد که هدف راجیو گاندی و حزب کنگره او از کمک به چاندرا شکار، سرنگون کردن او در لحظه مناسب است. لحظه مناسب از نظر حزب کنگره زمانی است که فضای سیاسی، حاکی از افزایش آرای این حزب باشد.

ناظران بر این عقیده‌اند که احتمال دستیابی یک حزب به اکثریت آرا، ضعیف است. تنها راهی که در صورت اکثریت نیافتن یک حزب در برابر این کشور باقی می‌ماند، یک دولت ائتلافی حتی الامکان گسترده است.

کنگره حزب کمونیست آلمان

یازدهمین کنگره حزب کمونیست آلمان در روزهای دهم تا دوازدهم ماه مه برگزار شد. در این کنگره ۳۰۰ نماینده شرکت داشتند. کنگره، چهار سخنگوی حزب و هیات رهبری را در مقام خود ابقا کرد. موضوعات مورد بحث در کنگره عبارت بود از رابطه حزب با حزب سوسیالیسم دمکراتیک، گسترش تشکیلات حزب به شرق آلمان و رابطه با سایر گروه‌های چپ. حول این موضوعات، مباحثات بقدری شدید بود که در پایان روز دوم کنگره، انشعاب در حزب محتمل می‌نمود. با این حال، اکثریت کنگره بدین حکم رای داد که ''در آلمان واحد کاپیتالیستی نیز وجود یک حزب کمونیست ضروری است.''

تعداد اعضای حزب کمونیست آلمان که پیش از بحران سال‌های اخیر ۶۰ هزار نفر بود، اکنون بالغ بر ۸۵۰۰ نفر است.

با موضع گیری اکثریت نمایندگان کنگره، طرح برخی از اعضای هیات رهبری برای پیوستن حزب به حزب سوسیالیسم دمکراتیک ردشد. حزب کمونیست آلمان به موجب مصوبات کنگره برای بازسازی تشکیلات خود در غرب آلمان خواهد کوشید و همچنین از این پس در شرق آلمان نیز عضوگیری خواهد کرد. مبنای عضوگیری، پذیرش مضمون مقدمه گزارش هیات رهبری به کنگره خواهد بود. در این مقدمه آمده است حزب کمونیست آلمان در راه سیاستی مبارزه می‌کند ''که

پیگیرانه ضدسرمایه‌داری باشد، ... هدف گسستن از مناسبات مالکیت انحصاری سرمایه‌داری را پیش روقرار دهد، ... سوسیالیسم را آینده تاریخ، مبارزه طبقاتی را نیروی محرکه اصلی آن و طبقه کارگر را نیروی اجتماعی اصلی برای پیشرفت اجتماعی بداند.'' قرار است محتوای هویت جدید کمونیستی حزب در یک برنامه و یک اساسنامه که به کنگره آینده ارائه خواهد شد، تدوین گردد.

در کنگره، گزارش کمیسیون تحقیق پیرامون وابستگی سیاسی ومالی حزب کمونیست آلمان به حزب سوسیالیست متحد آلمان (حزب حاکم سابق آلمان شرقی) ارائه شد. این کمیسیون در گزارش خود تاکید کرد امر تحقیق در این باره دشوار است زیرا کمک مالی حزب سوسیالیست متحد، توسط شخص اریش هونکر وبدون دخالت دفتر سیاسی حزب صورت می‌گرفت. از این رو، اسنادی در این باره یافته نشده است. با این حال، گزارش کمیسیون حاکی از وابستگی تقریبا کامل حزب به کمک‌های آلمان شرقی است. گزارش درعین حال تاکید می‌کند از این کمک مالی نمی‌توان عدم استقلال سیاسی حزب کمونیست آلمان را نتیجه گرفت، زیرا برای این امر دلیل قانع کننده‌ای یافته نشده است.

برای اشتراک نشریه ''کار'' در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمائید.

بهای اشتراک نشریه ''کار''		اروپا	دیگر نقاط
	○ سه ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
	○ شش ماهه	۶۲ مارک	۷۶ مارک
	○ یک ساله	۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

KAR 7
Vol.3 No. 7
Wed. 22 MAI 1991

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

حساب بانکی:
M.ABD
NR-35263011
کد بانک:
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

www.iran-archive.com